

Methods of preventing statelessness in Iranian law in the light of the principle of prohibition of statelessness and its causes

Tavakol Habibzadeh*
Mohammad Moeen Shahini**

Received: 2021/08/31
Accepted: 2022/04/25

Abstract

Since the beginning of the twentieth century, the problem of statelessness of natural persons as a problem in the international community due to its very negative effects, including deprivation of basic rights, has always been a concern of governments which led to the creation of a principle in international law called the principle of the necessity of nationality and prohibition of statelessness. The legal system of the Islamic Republic of Iran is no exception to this challenge and has been involved in the problem of statelessness. To solve this problem, it is necessary to analyze the reasons for its creation as well as those cases where statelessness is permitted. This will enable us to provide adequate solutions to prevent and eliminate it. After explaining the principle of the necessity of nationality and the prohibition of statelessness in light of international documents, the causes and exceptions of the prohibition of statelessness are discussed using a descriptive-analytic method and a practical approach using international law literature from foreign and domestic sources. Afterward, effective solutions are provided to solve the problem. And finally, Iranian law has been evaluated according to this principle and solutions. This is to identify existing gaps and propose solutions to overcome this problem and improve the current situation. Iran's law is generally in line with this principle of international law. Nevertheless, there are ways to fully implement it and to prevent and resolve statelessness when it isn't allowed.

Keywords: Principle of the necessity of nationality, Principle of prohibition of statelessness, Statelessness, Nationality, Prevention of statelessness, Statelessness in Iran.

* Associate Professor, Department of Public Law, Islamic Studies and Law Faculty, Imam Sadiq University, Tehran, Iran.

habibzadeh@isu.ac.ir

** MA. Student in Private Law, Department of Private Law, Islamic Studies and Law Faculty, Imam Sadiq University, Tehran, Iran (Corresponding Author).

mshahini@isu.ac.ir



راهکارهای جلوگیری از بی‌تابعیتی در حقوق ایران در پرتو اصل منع بی‌تابعیتی و علل آن

توکل حبیب‌زاده*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۰۹

محمد معین شاهینی**

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۰۵

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

مشکل بی‌تابعیتی اشخاص حقیقی به‌عنوان یک معضل در جامعه بین‌المللی به دلیل تبعات مهم منفی آن از جمله محرومیت از حقوق اولیه، از ابتدای قرن بیستم همواره دغدغه دولت‌ها بوده است که منجر به ایجاد اصلی در حقوق بین‌الملل به نام اصل لزوم (ضرورت) تابعیت و منع بی‌تابعیتی شده است. نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران نیز از این چالش مستثنا نبوده و درگیر مشکل بی‌تابعیتی بوده است. برای حل مشکل بی‌تابعیتی، ابتدا لازم است دلایل ایجاد آن مطالعه و به مواردی که بی‌تابعیتی مجاز است پرداخته شود تا راهکارهای مناسبی برای منع و رفع موارد غیرمجاز آن ارائه شود. بدین‌سان در این نوشته نیز به روش توصیفی تحلیلی بعد از تبیین اصل لزوم تابعیت و منع بی‌تابعیتی در پرتو اسناد بین‌المللی، با استفاده از ادبیات موجود در حقوق بین‌الملل در منابع خارجی و داخلی با نگاه کاربردی به علل ایجاد و استثنائات منع بی‌تابعیتی، سپس به ارائه راهکارهایی مؤثر جهت رفع آن پرداخته می‌شود تا در نهایت حقوق ایران، در همسویی با این اصل و راهکارهای مذکور مورد ارزیابی قرار گیرد با این هدف که خلأهای موجود شناسایی و راهکارهای برون‌رفت از این مشکل و اصلاح وضع موجود پیشنهاد شود. در حال حاضر حقوق ایران در بیشتر موارد همسو با این اصل حقوقی بین‌المللی است، اما راهکارهایی برای تحقق کامل آن در حقوق ایران و جلوگیری از موارد غیرمجاز بی‌تابعیتی و حل آن وجود دارد.

واژگان کلیدی: اصل منع بی‌تابعیتی، اصل لزوم تابعیت، بی‌تابعیتی، تابعیت، جلوگیری از بی‌تابعیتی، بی‌تابعیتی در ایران.

* دانشیار، گروه حقوق عمومی، دانشکده معارف اسلامی و حقوق، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران.
habibzadeh@isu.ac.ir

** دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، گروه حقوق خصوصی، دانشکده معارف اسلامی و حقوق، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

mshahini@isu.ac.ir



مقدمه

بی‌تابعیتی میلیون‌ها شخص را در جهان متأثر کرده است و از معضلات مهم جامعه بین‌المللی است که علاوه بر پدید آوردن مشکلات عدیده‌ای برای خود شخص و خانواده‌اش از قبیل عدم بهره‌مندی از حقوق اساسی بشر و حمایت دولت، مشکلات عمده‌ای برای دولت‌ها از قبیل مشکلات امنیتی و اقتصادی به‌وجود می‌آورد (فدایی تهرانی، ۱۳۹۴، صص. ۴۵ و ۵۱ و ۵۳). کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد^۱ به‌عنوان نهاد حقوق بشری متولی حل مشکل بی‌تابعیتی در سطح بین‌الملل، در سندی موسوم به برنامه اقدام جهانی برای پایان دادن به مسئله بی‌تابعیتی ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۴م^۲ بیان داشته است که حداقل حدود ۱۰ میلیون فرد بی‌تابعیت در دنیا وجود دارد. با این وجود، تشخیص دقیق درستی این رقم امکان‌پذیر نیست و تعداد بیش از این مقدار و در حدود ۱۵ میلیون نفر است (Institute on Statelessness, 2014, pp. 6-10)؛ زیرا به دلیل نداشتن تابعیت، این افراد از نظر قانونی پنهان و نامرئی هستند و به‌راحتی توسط دولت‌ها و سازمان‌ها شناسایی و اعلام نمی‌شوند که به‌عنوان مثال می‌توان از مردم هایتی تبار ساکن جمهوری دومینیکن، رومی‌های ساکن بالکان غربی، مردم روهینگیا در میانمار (Molnár, 2014, pp. 824-825) و حدود دو میلیون نفر محروم از تابعیت در آسام هند که غالباً مسلمان هستند، نام برد (Siddika, 2019, p. 4). اساساً ضرورت بحث درباره بی‌تابعیتی و حل آن در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان هدف مقاله از آنجا ناشی می‌شود که ایران نیز دارای جمعیت بی‌تابعیت قابل توجهی است (Institute on Statelessness, 2020, p. 85-86). شایان ذکر است که به‌طور کلی اهمیت و ضرورت بحث درباره بی‌تابعیتی، با دقت در آثار آن بیش از پیش مشخص می‌شود. با این وصف دولت‌ها در تلاش برای رفع و حل این معضل به روش‌های مختلف برآمده‌اند. این تلاش‌ها در حقوق بین‌الملل منجر به ایجاد اصلی به نام لزوم (ضرورت) تابعیت و منع بی‌تابعیتی^۳ شده است که از اصول حقوق بین‌الملل حاکم بر تابعیت است (Dumbrava, 2014, p. 75)، در اسناد بین‌المللی نیز در میان اصول کلی تابعیت جای دارد و از منظر حقوق بین‌الملل، کشورها باید خود را ملزم به رعایت آن بدانند.

بعد از درک اهمیت موضوع، برای تبیین لزوم رعایت این اصل و رفع بی‌تابعیتی باید

به زمینه‌های پیدایش آن پرداخت تا بتوان راهکارهای مؤثری برای رفع آن و جلوگیری از به‌وجود آمدن آن ارائه داد. بنابراین در این مقاله نیز ابتدا به تبیین فلسفه و اهمیت اصل منع بی‌تابیتی و تبعات منفی بی‌تابیتی پرداخته می‌شود و اسناد بین‌المللی موجود در بحث بررسی می‌شود، سپس در ادامه به علل به‌وجود آمدن بی‌تابیتی و موارد استثناء و مجاز آن پرداخته می‌شود تا موارد غیرمجاز بی‌تابیتی مشخص شود و راهکارهای جلوگیری از آن به‌دست آید. در نهایت جهت ارائه راهکارهای جلوگیری از بی‌تابیتی در نظام حقوقی ایران به‌عنوان یکی از کشورهای درگیر با چالش بی‌تابیتی، این نظام حقوقی بر اساس یافته‌های جامع به‌دست آمده در بخش‌های پیشین مورد ارزیابی قرار می‌گیرد تا با مشخص شدن راهکارهای موجود در نظام حقوقی ایران و موارد همسویی این نظام در راستای تحقق اصل منع بی‌تابیتی و همگام شدن با حقوق بین‌الملل بشر، چالش‌ها و موارد ایجادکننده بی‌تابیتی در حقوق ایران نمایان شوند و راهکارهای تحقق کامل‌تر این اصل ارائه شود با این هدف که این مقاله بتواند گامی هر چند کوچک در راستای اصلاح وضع موجود در حقوق ایران و حل مشکل بی‌تابیتی بردارد و راهکارهایی مناسب و نو، جهت رفع این چالش حقوقی موجود در جامعه ارائه کند. شایان ذکر است این پژوهش در پی از بین بردن مطلق بی‌تابیتی نیست بلکه به دنبال از بین بردن آن در چارچوبی مشخص است زیرا همان‌طور که بیان خواهد شد در مواردی به دلیل مصالح عام‌تر ضرورت دارد که بی‌تابیتی مجاز باشد.

در مطالعات صورت گرفته در زمینه بی‌تابیتی غالباً به اسناد مرتبط، علل و آثار آن و راهکارهای جلوگیری از بی‌تابیتی به‌صورت ناقص، گذرا و پراکنده اشاره شده است. مضاف بر اینکه هیچ‌کدام حقوق ایران را مورد ارزیابی قرار نداده و برای اصلاح این چالش در حقوق ایران راهکاری ارائه نکرده‌اند. بنابراین نوآوری این پژوهش از سویی در جمع‌آوری و دسته‌بندی علل، موارد مجاز و راهکارهای جلوگیری از بی‌تابیتی به‌صورت یک‌جا با استفاده از اسناد موجود در حقوق بین‌الملل و ادبیات موجود در آثار نویسندگان خارجی و داخلی، با نگاهی کاربردی، جامع و نو و به‌صورت نظام‌مند است، و از سوی دیگر در ارزیابی حقوق ایران در این زمینه و ارائه راهکارهای جلوگیری از بی‌تابیتی در آن با تحلیل قوانین و مقررات و استفاده از آثار موجود است.

در فصل نخست و دوم این پژوهش، عمدتاً از روش توصیفی در مورد مطالعه اصل لزوم تابعیت و علل بی‌تابعیتی استفاده می‌شود تا از رهگذر این توصیف، در فصل سوم راهکارهای جلوگیری از بی‌تابعیتی ارائه شود و حقوق ایران مورد ارزیابی قرار گرفته و با روش توصیفی - تحلیلی در این خصوص مطالعه صورت گیرد. در این پژوهش از روش کتابخانه‌ای جهت گردآوری منابع سود خواهیم برد.

۱. اصل لزوم تابعیت و منع بی‌تابعیتی

۱-۱. تبیین فلسفه، اهمیت و آثار

لزوم داشتن تابعیت به معنی این است که هر فردی باید تابعیتی داشته باشد (ابراهیمی، ۱۳۸۳، ص. ۸۹) و حق داشتن تابعیت از حقوق اساسی بشر و مورد تأکید در کنوانسیون‌های متعدد است (Institute on Statelessness, 2020, p. 19). اصل منع بی‌تابعیتی نیز که چهره دیگری از اصل لزوم داشتن تابعیت است امروزه از اصول کلی و عقلانی حقوق بین‌الملل و بحث تابعیت است (سهرابی، ۱۳۸۵، صص. ۳۳-۳۲؛ Molnár, 2015, p. 80) که دولت‌ها را از ایجاد بی‌تابعیتی منع و جهت رفع آن ملزم می‌کند. اهمیت این اصل از آنجاست که نظم بین‌المللی همانند نظم حقوق داخلی ایجاد می‌کند که هر شخص دارای تابعیتی باشد تا هم در عرصه حقوق داخلی، حقوق و تکالیف فرد مشخص باشد و هم در عرصه بین‌المللی مورد حمایت باشد. در مقابل به عللی که در فصل دوم خواهد آمد، افرادی بی‌تابعیت می‌مانند که به آنها بی‌تابعیت یا آپاترید^۱ می‌گویند (سلجوقی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص. ۱۶۱).

اهمیت لزوم منع بی‌تابعیتی به‌طور خاص زمانی مشخص‌تر می‌شود که تبعات منفی بی‌تابعیتی را مورد بررسی قرار می‌دهیم. تبعات منفی بی‌تابعیتی از سویی اهمیت مسئله بی‌تابعیتی و اصل منع آن را روشن می‌سازد و از سوی دیگر ما را به سوی ارائه راهکارهایی مناسب جهت جلوگیری و منع از ایجاد بی‌تابعیتی رهنمون می‌سازد. به‌طور خلاصه این تبعات منفی را ذیل چهار عنوان می‌توان جمع نمود: محرومیت از حقوق ابتدایی، عدم حمایت داخلی و خارجی دولت‌ها، جلوگیری از توسعه‌یافتگی و مشکلات اقتصادی و اجتماعی و در خطر افتادن امنیت داخلی و بین‌المللی کشورها. توضیح آنکه افراد بی‌تابعیت از برخی حقوق بشر همانند حق بر آموزش، درمان،

اشتغال، مسکن، رفتن به سفر، حقوق اقتصادی همانند مالکیت و خرید و فروش و بازکردن حساب بانکی و حقوق سیاسی همانند حق رأی و حتی مدارک هویتی و حق آزادی از بازداشت خودسرانه، محروم می‌شوند و اعضای خانواده‌شان نیز از این محرومیت‌ها تأثیر می‌پذیرند (Institute on Statelessness, 2014, pp. 28-31; Siddika, 2019, p. 6; Edwards & Van Waas, 2014, p. 142). این افراد از هیچ‌گونه حمایت داخلی و خارجی سیاسی بهره نمی‌برند و در داخل کشور محل سکونتشان به‌عنوان فردی خارجی شناخته می‌شوند. برای مثال در سطح داخلی زمانی که این افراد که معمولاً آسیب‌پذیری بسیار بیشتری دارند، قربانی جنایت یا بهره‌کشی اقتصادی و غیره می‌شوند، از حمایت قانون و دادگاه محروم هستند (Institute on Statelessness, 2014, pp. 30-31; Southwick & Lynch, 2009, p. 2). مضافاً تأثیر تبعات منفی بی‌تابعیتی از افراد به جوامع نیز کشیده می‌شود زیرا از سویی عدم بهره‌مندی این دسته از افراد از حقوق مذکور و مواجهه آنها با فقر اقتصادی و فرهنگی به مرور به انحاء مختلف به بخش‌های دیگر جامعه سرایت کرده و موجب کاهش سرعت توسعه یافتگی کشورها می‌شود (Institute on Statelessness, 2014, p. 34; Siddika, 2019, p. 3) و از سوی دیگر بی‌تابعیتی تهدیدی برای امنیت ملی کشورها و ثبات منطقه‌ای است و فقر اقتصادی و فرهنگی این دسته از افراد باعث روی آوردن آنها به ارتکاب جرم و انتخاب شیوه‌های غیرقانونی برای دستیابی به خواسته‌هایشان می‌شود که این امر در سطح داخلی و خارجی امنیت جوامع را تهدید می‌کند (Institute on Statelessness, 2014, p. 35; Siddika, 2019, p. 2).

پس حل مشکل بی‌تابعیتی هم از لحاظ خود فرد بی‌تابعیت هم از لحاظ حفظ آرامش و امنیت جهانی و اجرای مقررات، دارای اهمیت است. تمامی این امور سبب شده است تا جامعه بین‌الملل برای رفع بی‌تابعیتی اقدامات گسترده‌ای انجام دهد و اصل منع بی‌تابعیتی به وجود آید.

۲-۱. اصل لزوم تابعیت در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای

معضلات بی‌تابعیتی نه تنها افراد را از جهت معیشتی تحت تأثیر قرار داده است، بلکه جامعه بین‌المللی نیز از جهت اقتصادی، اجتماعی و حفظ صلح و امنیت دچار

مخاطراتی شده است (ابراهیمی، ۱۳۸۳، ص. ۹۵؛ سلجوقی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص. ۱۶۱). بدین جهت اصل لزوم تابعیت و منع بی‌تابعیتی و آثار مترتب بر آن مورد توجه حقوق‌دانان و نیز دولت‌ها از منظر حقوق بین‌الملل بوده است. در ادامه به برخی اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای مربوط اشاره می‌شود:

الف) در کنفرانس تدوین حقوق و قوانین بین‌الملل لاهه ۱۹۳۰م سه سند در این خصوص تصویب شده‌اند که عبارتند از کنوانسیون لاهه راجع به موضوعات مشخص مربوط به تعارض قوانین تابعیت ۱۹۳۰م^۵ که اولین تلاش برای اطمینان از برخورداری افراد از تابعیت بود که در ماده ۱ آن بر لزوم تعیین تابعیت توسط دولت‌ها تأکید شده است (Achiron & Govil, 2014, p. 8) و اصل لزوم تابعیت از آن استنباط می‌شود. همچنین در مقدمه پروتکل لاهه مربوط به برخی موارد بی‌تابعیتی ۱۹۳۰م^۶ بیان شده است: «نمایندگان دولت‌ها با هدف جلوگیری از بی‌تابعیتی در شرایط خاص مفاد این پروتکل را پذیرفته‌اند»^۷؛ از این بیان نیز اصل منع بی‌تابعیتی استنباط می‌شود. سومین سند، پروتکل ویژه لاهه مربوط به بی‌تابعیتی ۱۹۳۰م^۸ است.

ب) اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸م^۹ در بند ۱ ماده ۱۵ بیان می‌دارد: «هر انسانی سزاوار و محق به داشتن تابعیتی است»^{۱۰}، که بر لزوم داشتن تابعیت به‌عنوان یک حق بشری تأکید می‌کند. اعلامیه جهانی حقوق بشر به دنبال این است که داشتن یا نداشتن تابعیت در بهره‌مندی انسان‌ها از حقوق بشر مؤثر نباشد و کشورها به اشخاص بی‌تابعیت همان حقوق اتباع خود یا اتباع خارجی ساکن در آن کشور را اعطا نمایند (آل کجیاف، ۱۳۹۰، ص. ۶۰).

ج) کنوانسیون ۱۹۵۴م مربوط به وضعیت افراد بی‌تابعیت^{۱۱} و کنوانسیون ۱۹۶۱م در مورد کاهش بی‌تابعیتی^{۱۲} در موارد متعددی بر اصل منع بی‌تابعیتی تأکید کرده‌اند و راهکارهایی برای جلوگیری از آن و خاتمه بخشیدن به آن ارائه می‌کنند که دو سند اساسی در این بحث محسوب می‌شوند (Institute on Statelessness, 2014, p. 20). به‌طور خلاصه کنوانسیون ۱۹۵۴م ضمن تعریف فرد بی‌تابعیت، بر لزوم داشتن برخورد مشابه بیگانگان قانونی با افراد بی‌تابعیت همچون حق اشتغال، مسکن، آموزش و درمان عمومی تأکید می‌کند و کنوانسیون ۱۹۶۱م نیز سعی در تقویت مداخلات بین‌المللی در حل مشکل بی‌تابعیتی و ارائه استانداردهای بین‌المللی و

تأکید بر اعطای تابعیت در لحظه تولد به متولدین داخل مرزهای کشورهای کشورها به‌عنوان راه‌حل مهم در حل بی‌تابعیتی دارد (Lawrance & Stevens, 2017, pp. 28-29).
د) برنامه اقدام جهانی برای پایان دادن به مسئله بی‌تابعیتی ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۴ م
کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد ضمن تأکید بر اهمیت مشکل بی‌تابعیتی به ارائه اقدامات مؤثر جهت جلوگیری و حل مسئله بی‌تابعیتی می‌پردازد (Siddika, 2019, p. 9).

ه) کنوانسیون تابعیت اروپا ۱۹۹۷ م^{۱۳} در بند اول و دوم ماده ۴ بر اصل لزوم داشتن تابعیت و منع بی‌تابعیتی با عبارتی مشابه اعلامیه حقوق بشر تأکید می‌کند (Tang, 2005, p. 45).

و) ماده ۲۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ م^{۱۴} که ایران نیز به آن ملحق شده است و همچنین کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ م^{۱۵} در ماده ۷، در راستای منع بی‌تابعیتی بر لزوم داشتن تابعیت کودکان تأکید کرده‌اند تا از ابتدای تولد از بی‌تابعیتی جلوگیری شود (Institute on Statelessness, 2020, p. 19).

ز) لزوم اعطای تابعیت به پناهندگان نیز تأکیدکننده بر اصل لزوم داشتن تابعیت و منع بی‌تابعیتی است که در ماده ۳۴ کنوانسیون مربوط به وضع پناهندگان ۱۹۵۱ م^{۱۶} این‌گونه بیان شده است: «دولت متعاقد تا آنجا که ممکن است در پذیرش و اعطای تابعیت به پناهندگان تسهیلاتی فراهم خواهند آورد و مخصوصاً کوشش خواهند کرد تا امر تحصیل تابعیت را تسریع کرده و تا آنجا که ممکن است از هزینه‌ها و مخارج این امر بکاهند»^{۱۷} (Tang, 2005, p. 34).

ح) کنوانسیون شورای اروپا در جلوگیری از بی‌تابعیتی در جابه‌جایی و تغییر دولت ۲۰۰۶ م^{۱۸} ضمن تأکید بر جلوگیری از ایجاد بی‌تابعیتی در نتیجه تغییر دولت‌ها، به‌عنوان مثال در ماده ۵ و ۶ به‌طور خاص بر لزوم اعطای تابعیت توسط دولت جدید در صورت داشتن رابطه مقتضی (تعلق به آن سرزمین) به اشخاصی که در نتیجه جابه‌جایی و تغییر دولت بی‌تابعیت شده‌اند و بر عدم سلب تابعیت توسط دولت جدید در صورت ایجاد بی‌تابعیتی تأکید می‌کند (Southwich & Lynch, 2009, p. 6).

همان‌طور که مشخص شد اصل منع بی‌تابعیتی و لزوم داشتن تابعیت اصلی پذیرفته شده در حقوق بین‌الملل است که در موارد متعددی در اسناد بین‌المللی صریحاً یا ضمناً بر آن تأکید شده است (Dumbrava, 2014, pp. 74-76; Tang, 2005, pp. 19-20) و بیان سایر موارد در این مقاله نمی‌گنجد.

۲. علل بی‌تابعیتی و موارد مجاز آن

جهت ارائه راهکارهای مناسب برای جلوگیری از بی‌تابعیتی ابتدا لازم است مهم‌ترین علل آن بررسی شوند تا مشخصاً از حدوث آن علل جلوگیری به عمل آید. از طرف دیگر در مواردی حدوث بی‌تابعیتی نه تنها مذموم نیست بلکه لازم است که از آن با عنوان موارد مجاز بی‌تابعیتی یا استثنائات اصل منع بی‌تابعیتی تعبیر می‌کنیم و شناخت این‌گونه موارد از آن جهت ضروری است که راهکارهای ارائه شده برای جلوگیری از بی‌تابعیتی نباید در جهت رفع و دفع این‌گونه موارد مجاز باشد.

اما پیش از ورود به بحث برای آنکه بدانیم به دنبال بررسی علل کدام نوع از بی‌تابعیتی و جلوگیری از آن هستیم، لازم است به اختصار اشخاص بی‌تابعیت تعریف شوند و اقسام آن به تفکیک بیان شوند. طبق ماده ۱ کنوانسیون ۱۹۵۴م مربوط به وضعیت افراد بی‌تابعیت، اشخاص بی‌تابعیت کسانی‌اند که هیچ‌یک از دولت‌ها طبق قوانین و مقرراتشان آنان را تبعه خود نمی‌دانند. تعریف مذکور، شامل افرادی که تابعیت خود را از دست داده یا ترک کرده و هنوز کسب تابعیت نکرده‌اند نیز می‌شود. بی‌تابعیتی به دو دسته بی‌تابعیتی قانونی^{۱۹} و بی‌تابعیتی عملی^{۲۰} تقسیم می‌شود که تعریف مذکور از بی‌تابعیتی، تعریف بی‌تابعیتی قانونی است که در آن اشخاص از نظر وضعیت قانونی بی‌تابعیت هستند (Tang, 2005, p. 15). بنابراین در بی‌تابعیتی قانونی، افراد از لحاظ قانونی بی‌تابعیت هستند اما در مقابل، بی‌تابعیتی عملی یعنی وضعیتی که در آن اشخاص عملاً از برخی آثار بی‌تابعیتی همچون عدم بهره‌مندی از حقوق اولیه متأثر هستند اما از لحاظ قانونی حداقل تابعیت یک کشور را دارا هستند به‌عنوان مثال برخی از مهاجرین غیرقانونی گرچه تابعیت کشور مبدأ خود را دارا می‌باشند اما در کشور مقصد به دلیل مواجهه با تبعات بی‌تابعیتی، عملاً بی‌تابعیت محسوب شوند. تعریف و بحث از بی‌تابعیتی عملی، خارج از بحث این مقاله است؛ هر چند در مقولاتی دارای

اشتراک با بی‌تابیتی قانونی است. با این تعریف از افراد بی‌تابیت، به علل و بعد از آن به موارد مجاز بی‌تابیتی پرداخته می‌شود.

۲-۱. علل به‌وجود آمدن بی‌تابیتی

با وجود اصل لزوم تابعیت، در مواردی بی‌تابیتی رخ می‌دهد که بررسی علل آن جهت ارائه راهکار مناسب برای جلوگیری از آن ضروری است. شایان ذکر است به دلیل همپوشانی‌هایی که علل بی‌تابیتی در مواردی با یکدیگر دارند در برخی موارد ممکن است یک علت، بسته به پرونده رخ داده، در حالتی ذیل یک یا چند علت دیگر قرار گیرد و در حالت دیگر ذیل آن قرار نگیرد لذا به دلیل پوشش جمیع علل بی‌تابیتی و تفاوت نظری آنها، تمامی موارد به تفکیک احصا شده است. در ادامه به مهم‌ترین علل بی‌تابیتی با ارائه نمونه پرداخته می‌شود.

۲-۱-۱. سلب تابعیت و مجازات

در مواردی کشورها به‌عنوان مجازات یا اقدام خودسرانه یا تبعیض‌آمیز به لحاظ نژادی، مذهبی یا زبانی از اتباع دارای تابعیت اصلی یا اکتسابی سلب تابعیت می‌کنند که این امر به‌خصوص اگر فرد دنبال کسب تابعیت جدید نرود یا موفق به کسب آن نشود، موجب بی‌تابیتی می‌شود. در گذشته برخی از دولت‌ها از اتباع خود به سبب پناهندگی و مهاجرت سلب تابعیت می‌کردند که در مواردی موجب بی‌تابیتی می‌شد و آن در صورتی بود که فرد از کشور خود مهاجرت می‌کرد و پناهنده کشور دیگری می‌شد و کشور مبدأ تابعیت وی را سلب می‌کرد درحالی‌که وی هنوز تابعیت دولت جدید را نیز کسب نکرده بود اما امروزه سلب تابعیت مخصوصاً سلب تابعیت اصلی مردود است و مورد قبول مراجع بین‌المللی نمی‌باشد لکن در عمل همچنان در مواردی شاهدیم سلب تابعیت از جمله سلب تابعیت تبعیض‌آمیز همانند اقدام میانمار در قبال مسلمانان روئینگیایی صورت می‌گیرد. با این وجود از آن جهت که در برخی موارد سلب تابعیت به‌عنوان مجازات برای دولت‌ها امری ضروری می‌باشد، در مواردی آن را اعمال می‌کنند و این امر استثنائاً مجاز تلقی شده است که به‌عنوان مثال می‌توان به ماده ۸ کنوانسیون کاهش بی‌تابیتی ۱۹۶۱م و وجود این مجازات در قوانین ایتالیا در بحث خدمت به دولت خارجی بدون مجوز دولت این کشور یا در قوانین آمریکا در بحث فرار از

ارتش در زمان جنگ یا خیانت به دولت آمریکا اشاره کرد (ارفع‌نیا، ۱۳۸۹، ج ۱، صص. ۴۷-۵۰؛ نصیری، ۱۳۹۰، ص. ۲۹؛ Institute on Statelessness, 2014, p. 25).

۲-۱-۲. اختلاف قوانین یا تعارض منفی سیستم‌های اعطای تابعیت

مختلف بودن قوانین کشورها و وجود تعارض منفی سیستم‌های اعطای تابعیت ممکن است منجر به بی‌تابعیتی شود (Molnár, 2014, p. 824). این امر عمده‌تاً ممکن است در سه حالت رخ دهد: اولین حالت، بی‌تابعیتی از بدو تولد است مثلاً طفل متولد شده در خاک ایران از مادر و پدر خارجی اگر مشمول بند ۴ و ۵ ماده ۹۷۶ قانون مدنی نباشد و کشور والدین طفل هم سیستم خاک را در اعطای تابعیت اعمال کند، آنگاه این طفل بی‌تابعیت خواهد شد (ابراهیمی، ۱۳۸۳، ص. ۹۵) یا طفل نامشروع متولد شده در آلمان از مادری انگلیسی به دلیل تنوع قوانین دو کشور بی‌تابعیت خواهد شد (ارفع‌نیا، ۱۳۸۹، ج ۱، ص. ۵۰).

دومین حالت بی‌تابعیتی، بر اثر ازدواج یا طلاق ممکن است رخ دهد؛ بدین صورت که مثلاً در یک مورد اگر در اثر ازدواج زن با مردی خارجی تابعیت آن مرد مطابق قانون کشور مرد به‌طور خودکار به زن تحمیل نشود و زن هم به دلیل ازدواج با مرد خارجی تابعیت پیشین خود را مطابق قوانین کشورش از دست بدهد، آنگاه در این مورد زن بی‌تابعیت می‌شود یا در موردی دیگر اگر در اثر طلاق، تابعیت اعطایی به زن از طرف دولت شوهر پس گرفته شود و زن هم به دلیل ازدواج، تابعیت پیشین خود را از دست داده باشد، آنگاه در این مورد نیز زن بی‌تابعیت می‌شود. به‌عنوان مثال در بخش سوم از قانون مهاجرت ۱۹۰۷م آمریکا، از دست دادن تابعیت به‌واسطه ازدواج بدون در نظر گرفتن احتمال بی‌تابعیتی زنان امری قانونی بوده است (P.Roche, 1950, p. 44).

سومین حالت در اثر فرزندخواندگی ممکن است رخ دهد؛ بدین صورت که دولت فرزندخواه به فرزندخوانده اعطای تابعیت نکند و دولت فرزندخوانده هم به دلیل فرزندخواندگی تابعیت وی را پس بگیرد که در این صورت فرزندخوانده بی‌تابعیت می‌شود (Van Waas, 2008, pp. 72-73). به‌عنوان مثال از سویی قوانین ده کشور اروپایی، فرزندخواندگی را بدون مشروط کردن کودک به داشتن تابعیت جدید، موجب از دست دادن تابعیت می‌دانند و از سوی دیگر در برخی از آنها از جمله اتریش، کسب تابعیت از طریق فرزندخواندگی پیش‌بینی نشده است (Jansen & Van Waas, 2014, p. 31).

۲-۱-۳. ترک ارادی تابعیت و عدم تحصیل تابعیت جدید

چنانچه شخصی به‌طور ارادی تابعیت کشوری را ترک کند، درحالی‌که قوانین کشورش ترک تابعیت را مشروط به کسب تابعیت کشور دیگر نکرده باشد و وی تابعیت کشور جدیدی را کسب نکند یا کشور جدید با اعطای تابعیت به وی موافقت نکند، فرد بی‌تابعیت خواهد شد (Van Waas, 2008, pp. 80-81). به‌عنوان مثال مواد ۱۰ و ۱۱ قانون تابعیت چین ۱۹۸۰م^{۲۱} در شرایطی امکان خروج از تابعیت را بدون در نظرگیری کسب تابعیت جدید میسر کرده است.

با وجود همپوشانی‌هایی که علل بی‌تابیتی با یکدیگر دارند در بیان تفاوت این مورد با مورد اول یعنی سلب تابعیت می‌توان بیان داشت که در مورد اول فرد تابعیتش را به‌صورت غیرارادی توسط دولت از دست می‌دهد اما در این مورد فرد خود به‌صورت ارادی تابعیت‌اش را ترک کرده است.

۲-۱-۴. تخیر در انتخاب تابعیت (انتخاب خود شخص)

در مواردی که شخص مطابق قانون مخیر می‌شود که بین دو تابعیت یکی را انتخاب کند و وی هیچ‌کدام را انتخاب نمی‌کند (نصیری، ۱۳۹۰، ص. ۳۰) یا اینکه اساساً اختیار کسب یک تابعیت را دارد ولی خود یا والدینش به کسب همان نیز اقدام نمی‌کنند. مثلاً شخص هنگام تولد قابل انتساب به دو دولت باشد و یکی از دولت‌ها سیستم خون را اعمال کند و دیگری سیستم خاک و هر دو دولت بقای بر تابعیتشان را منوط به انتخاب فرد در سن معین کرده باشند که فرد هیچ‌کدام از این دو تابعیت را انتخاب نکرده و در نتیجه بی‌تابعیت می‌شود (سهرابی، ۱۳۸۵، ص. ۳۴) یا به‌عنوان مثال در قوانین قبرس کودکی که از یک تبعه در خارج از کشور متولد می‌شود، می‌تواند از طریق یک ثبت‌نام ساده، تابعیت خود را کسب کند، اما این امر باید ظرف دو سال پس از تولد کودک به اختیار والدین صورت گیرد و در صورت از دست رفتن این مهلت هیچ تضمینی در برابر بی‌تابیتی وجود ندارد و اگر فرضاً طفل در کشوری با سیستم خون به دنیا آمده باشد، بی‌تابیت خواهد ماند (Jansen & Van Waas, 2014, p. 17).

۲-۱-۵. قانون خاص و از دست دادن تابعیت

چنانچه قانون کشوری مقرر کند که اگر کسی ترک وطن کند و در کشور دیگری سکنی گزیند، آنگاه تابعیت‌اش را از آن فرد سلب می‌کند یا فرد تابعیت‌اش را به‌طور خودکار از دست می‌دهد، حال اگر فرد تابعیت کشور محل اقامت را اخذ نکرده باشد یا آن کشور به او تابعیت اعطا نکند این فرد بی‌تابعیت خواهد شد (نصیری، ۱۳۹۰، ص. ۳۰؛ Van Waas, 2008, pp. 78-79). به‌عنوان مثال به‌موجب مورد e از بند ۲ ماده ۱۰ قانون شهروندی هند ۱۹۵۵م^{۲۲} افرادی که به‌طور معمول در خارج از هند اقامت داشته باشند، با شرایطی تابعیت خود را از دست می‌دهند بدون آنکه احتمال بی‌تابعیتی وی در نظر گرفته شده باشد.

این علت با مورد اول (سلب تابعیت) اندکی متفاوت است و آن اینکه اینجا فرد به‌موجب قانون خاص از تابعیت خود محروم شده است که جنبه مجازات‌گونه به‌واسطه اقدامات ناپسند ندارد و هر گونه از دست دادن تابعیت غیر از سلب تابعیت به‌موجب مجازات را دربرمی‌گیرد.

۲-۱-۶. معاهده بین‌المللی

در موردی که یک معاهده بین‌المللی اختیار انتخاب تابعیت را به افراد می‌دهد اما افراد از انجام انتخاب سر باز می‌زنند، در این صورت بی‌تابعیت می‌مانند؛ مثال این حالت وقتی ست که قطعه‌ای از سرزمین کشوری به کشور دیگر واگذار می‌شود و برای ساکنین آن سرزمین اختیار داده می‌شود که یکی از دو تابعیت کشور قدیم یا جدید را انتخاب کنند اما هیچ‌کدام را انتخاب نمی‌کنند (سهرابی، ۱۳۸۵، ص. ۳۴؛ Tang, 2005, p. 17). به‌عنوان نمونه به‌موجب ماده ۲ پروتکل معاهده بین جمهوری چکسلواکی و اتحادیه جماهیر سوسیالیستی شوروی در مورد اوکراین ۱۹۴۵م^{۲۳} که متأثر از تغییرات سرزمینی بود، حق انتخاب تابعیت چکسلواکی برای برخی گروه‌های قومی که به دلیل جدایی سرزمین‌ها بی‌تابعیت شده بودند با شرایطی اعطا شد. این مورد می‌تواند مصداقی از مورد چهارم یعنی اختیار انتخاب به‌موجب معاهده بین‌المللی و متأثر از مورد پنجم یعنی جابه‌جایی دولت‌ها باشد.

۲-۱-۷. جابه‌جایی و تغییر دولت‌ها

زمانی که بخشی از دولت و کشوری جدا می‌شود و استقلال می‌یابد یا زمانی که کشوری به دولت‌های جدیدی تجزیه می‌شود، قانون دولت یا دولت‌های جدید و یا قدیم ممکن است سبب بی‌تابعیتی اشخاص شود. این امر ممکن است به سبب اختلاف نظام قوانین، عدم شناسایی اشخاص ساکن در برخی مناطق یا برخی نژادها به‌عنوان تبعه یا حتی اختیار انتخاب بین تابعیت دو کشور یا سایر موارد رخ دهد که برای مثال می‌توان به جدایی کشورهای اتحاد جماهیر شوروی سابق و یوگسلاوی یا جدا شدن اریتره از اتیوپی اشاره کرد. البته شایان ذکر است تا نیمه اول قرن بیستم این امر یکی از علل شایع بی‌تابعیتی بوده است (Tang, 2005, pp. 17-18; Molnár, 2014, p. 824). برخی از روس‌هایی که بعد از انقلاب روسیه به کشورهای خارجی پناهنده شدند، نه دولت جدید روسیه آنها را به‌عنوان تبعه خود می‌شناخت و نه دولت‌هایی که راهی آنها شده بودند (ارفع‌نیا، ۱۳۸۹، ج ۱، صص. ۴۹-۵۰؛ نصیری، ۱۳۹۰، ص. ۲۹)

۲-۱-۸. موانع اداری و فقدان مدارک

ضعف در سیستم ثبت احوال، عدم دسترسی به آن در برخی مناطق کشورها، فقدان مدارک اثبات‌کننده ارتباط میان افراد و کشور محل تولد، وجود موانع برای اثبات این رابطه در فرایند اداری کشورها و اعطای تبعیض‌آمیز تابعیت به اشخاص و گروه‌های خاص در مواردی منجر به بی‌تابعیتی افراد می‌شود (Institute on Statelessness, 2014, pp. 26-27; Van Waas, 2008, p. 13). به‌عنوان مثال یکی از مشکلاتی که برای رومایی‌ها^{۲۴} جهت کسب تابعیت پس از تجزیه یوگسلاوی به‌وجود آمد این بود که مدارک مورد نیاز برای کسب تابعیت طبق قانون، به‌طور گسترده‌ای ناموجود و غیرقابل دسترسی بود و این سخت‌گیری قانون موجب بی‌تابعیتی جمعیت کثیری از آنها شد (Jansen & Van Waas, 2014, p. 25). ضعف در سیستم ثبت احوال و سایر موارد فوق‌الذکر موجب شده است که طبق آخرین آمار یونیسف در سال ۲۰۱۹، تولد حدود ۴۱ میلیون کودک زیر یکسال ثبت نشده باشد (Report of UNICEF, 2019, p.20).

۲-۱-۹. تبعیض در قوانین تابعیتی

تبعیض در اعطای تابعیت، اعم از تبعیض نژادی، مذهبی و جنسیتی از عوامل بی‌تابعیتی است. به‌عنوان مثال تبعیض جنسیتی در قوانین تابعیتی کشورها در مواردی همچون زمانی که تابعیت از طریق مادر به فرزند منتقل نمی‌شود، در بعضی موارد موجب بی‌تابعیتی فرزند می‌شود و این در حالی است که در قانون همان کشور تابعیت از طریق پدر به فرزند منتقل می‌شود (Tang, 2005, p. 18). به‌عنوان نمونه دیگر به‌صورت موردی در ایتالیا به فردی به دلیل داشتن سندروم داون تابعیت اعطا نشده است (Jansen & Van Waas, 2014, p. 29). به‌عنوان مثال دیگر در ایران سابقاً پیش از تصویب ماده واحده تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی مصوب ۱۳۹۸، تابعیت از طریق مادر ایرانی به طفل منتقل نمی‌شد درحالی‌که تابعیت از طریق پدر ایرانی منتقل می‌شد.

۲-۱-۱۰. ارث بردن بی‌تابعیتی

یکی از عوامل مهم بی‌تابعیتی که در ادامه دلایل فوق و به تبع آنها ایجاد می‌شود ارث بری بی‌تابعیتی از والدین است؛ توضیح آنکه به هر یک از دلایل فوق ابتدا اشخاصی بی‌تابعیت می‌شوند و در ادامه به دلیل عدم اصلاح قوانین آن کشور، تعارض قوانین کشورها یا سایر موارد، این بی‌تابعیتی به فرزندان نیز سرایت می‌کند و فرزندان نیز از بدو تولد بی‌تابعیت می‌شوند (Institute on Statelessness, 2014, p. 27) یا حتی بعد از تولد در پی از دست دادن تابعیت والدین، فرزندان نیز در شرایطی ممکن است بی‌تابعیت شوند. به‌عنوان مثال همان‌گونه که بیان شد، به‌موجب قوانین اتریش فرزندان خواندگی موجب کسب تابعیت نمی‌شود حال اگر این فرزندخوانده تابعیت کشور مبدأ خود را به دلیل فرزندخواندگی از دست داده باشد، در حال حاضر در اتریش یک فرد بی‌تابعیت می‌ماند و اگر وی بعداً با زنی خارجی ازدواج کند و در یک کشوری که سیستم خون را اعمال می‌کند مثل ایران بچه‌دار شود، فرزندان وی نیز بی‌تابعیت می‌مانند. یا به‌عنوان نمونه دیگر به‌موجب ماده ۲۲ قانون شهروندی اسلوونی ۱۹۹۹م^{۲۵} از دست دادن تابعیت والدین یا یکی از آنها، با شرایطی می‌تواند منجر به بی‌تابعیتی فرزندان شود.

موارد مذکور مواردی بود که حقوق‌دانان به آنها به‌عنوان عوامل ایجاد بی‌تابیتی پرداخته بودند. در مجموع به‌نظر می‌رسد شاید بتوان تمام این موارد را ذیل چهار عنوان ترک ارادی تابعیت، از دست دادن خودکار تابعیت، سلب تابعیت و عدم امکان کسب تابعیت جمع نمود با در نظر داشتن اینکه در برخی موارد ممکن است به‌صورت موردی یک پرونده ذیل چند علل از علل احصاء شده یا فقط یک علت قرار گیرد. حال که عوامل بی‌تابیتی مشخص شد، کشورها در جهت رفع بی‌تابیتی باید تلاش کنند تا این عوامل را مورد بررسی قرار دهند و با قانون‌گذاری صحیح از ایجاد بی‌تابیتی جلوگیری کنند که مفصلاً به این بحث در سطح بین‌المللی و حقوق ایران در فصل سوم پرداخته خواهد شد.

۲-۲. موارد مجاز بی‌تابیتی

با مطالب فوق علل بی‌تابیتی مشخص شد، لکن در مواردی بی‌تابیت بودن و نقض اصل لزوم تابعیت به دلیل مصالح عام‌تری مذموم نیست و از نظر دولت‌ها این امر لازم و حتی ضروری است که این موارد جزء استثنائات اصل لزوم تابعیت و به‌عنوان موارد مجاز سلب و عدم اعطای تابعیت توسط دولت‌ها شناخته می‌شوند. ضرورت پرداختن به استثنائات از آن جهت است که حدود رعایت اصل منع بی‌تابیتی جهت ارائه راهکارهایی مناسب برای جلوگیری از بی‌تابیتی مشخص شود زیرا برای این موارد مجاز بی‌تابیتی دیگر نیازمند راهکاری جهت جلوگیری از آن نیستیم و راهکارهای ارائه شده نباید در جهت جلوگیری از این موارد مجاز باشند.

شایان ذکر است آن مصالح عام‌تر و ادله‌ای که بی‌تابیتی در اثر سلب تابعیت را مجاز می‌نماید، این است که: اولاً. اصل اساسی برای تعیین تابعیت، وجود پیوند واقعی میان فرد و آن کشور است که این اصل در سلب تابعیت هم جاری است (Bauböck & Paskalev, 2015, p. 25) و در موارد مجاز و استثناء بی‌تابیتی خواهیم دید که این پیوند دیگر وجود ندارد؛ ثانیاً. در مواردی همچون وقتی که فرد تهدیدی علیه امنیت عمومی است یا وفاداری خود را به آن کشور نقض کرده است یا جنایات شدید مرتکب شده است، به واقع این فرد تهدیدی علیه آن جامعه محسوب می‌شود و مصلحت عام‌تر آن کشور و نظم عمومی آن اقتضا دارد که به مصلحت کوچکتر فقدان بی‌تابیتی یک فرد با این شرایط خاص توجه

نشود و حتی در مواردی همچون بند ۱ ماده ۹ قانون تابعیت هلند^{۳۶} صراحتاً به دلیل حفظ نظم عمومی، به طریق اولی درخواست کسب تابعیت چنین افرادی قابل پذیرش دانسته نشده است؛ ثالثاً. این امر همان‌طور که در ادامه مشاهده خواهد شد در قوانین کشورهای دیگر از جمله قانون تابعیت بریتانیا، هلند، الجزایر و قانون شهروندی کانادا و هند و اسناد بین‌المللی از جمله بند ۳ و ۲ ماده ۸ کنوانسیون کاهش بی‌تابعیتی ۱۹۶۱م، امری پذیرفته شده است، رابعاً گرچه ممکن است این افراد از لحاظ قانونی بی‌تابعیت شوند اما آن کشور حسب حقوق بین‌الملل موظف است با تمهید راهکارهایی مثل ارجاع شخص بدون تابعیت به دولت سابق وی یا در نظر گرفتن حقوق محدودتری برای وی، از تحمیل آثار بی‌تابعیتی بر آن فرد تا حدودی جلوگیری نماید.

پیش از بیان استثنائات اصل لزوم تابعیت به سه مطلب باید اشاره نمود: اول اینکه موارد استثنای اصل لزوم تابعیت که همان موارد مجاز سلب تابعیت است غیر از موارد ترک ارادی تابعیت و همچنین موارد از دست دادن خودکار تابعیت است، جایی که دولت تحت شرایط خاصی از دست دادن خودکار تابعیت را در نظر می‌گیرد (قاسمی، ۱۳۹۷، ص. ۹۴۶) که جزء استثنائات اصل لزوم تابعیت نیستند و بلکه باید در موارد ترک ارادی تابعیت و در بیشتر موارد از دست دادن خودکار تابعیت نیز اصل لزوم تابعیت رعایت شود تا فرد بعد از ترک یا از دست دادن خودکار تابعیت دچار بی‌تابعیتی نشود. دومین مطلب بیان چستی سلب تابعیت است که عبارت است از عملی یک‌جانبه از سوی دولت برای قطع رابطه تابعیت به دلیل فعل یا ترک فعل آن تبعه (دماوندی، ۱۳۹۰، ص. ۱۳۱). سومین مطلب آنکه در حقوق بین‌الملل سلب و محرومیت از تابعیت توسط دولت‌ها حتی‌الامکان مقید به ایفای تعهد بین‌المللی منع و جلوگیری از بی‌تابعیتی، رعایت استانداردهای داخلی حاکمیت قانون و اصول پذیرفته شده است (Bauböck & Paskalev, 2015, p. 34).

حال با توجه به مطالب فوق در ادامه به بیان موارد استثنای اصل لزوم تابعیت که همان موارد مجاز سلب تابعیت توسط دولت‌ها است، با ارائه نمونه پرداخته می‌شود که تمامی موارد به‌نوعی مجازات محسوب می‌شوند و دولت‌ها را مجاز به سلب تابعیت از تبعه خود می‌کند. شایان ذکر است به طریق اولی در صورت وجود این موارد همان‌گونه که بیان شد، معمولاً اعطای تابعیت نیز صورت نمی‌گیرد.

۲-۱. تهدید علیه امنیت عمومی

دولت‌ها می‌توانند از اشخاصی که امنیتشان را به شدت به خطر انداخته‌اند یا اقدام و قصد به مخاطره شدید انداختن آنرا کرده‌اند، سلب تابعیت کنند (Bauböck & Paskalev, 2015, pp. 15-17). به‌عنوان نمونه این مورد در بند (A۴) از بخش ۴۰ قانون تابعیت بریتانیا ۱۹۸۱م^{۲۷} انعکاس یافته است.

۲-۲. جنایات شدید

ارتکاب جنایات شدید و نه عادی در مواردی به‌خصوص در محدوده زمانی پیش از کسب تابعیت، منجر به سلب تابعیت از افراد توسط برخی دولت‌ها می‌شود (موسی‌زاده و دارابی راد، ۱۳۹۸، صص. ۷۴۷-۷۴۸). این مورد اغلب ناظر به موردی است که بعد از کسب تابعیت، جنایت شدیدی که پیش از کسب تابعیت ارتکاب یافته است، کشف می‌شود. به‌عنوان مثال در بند ۱ ماده ۱۴ قانون تابعیت هلند ۱۹۸۴م و ماده ۲۲ قانون تابعیت الجزایر ۱۹۷۰م^{۲۸} این امر شناسایی شده است.

۲-۳. نقض وظیفه وفاداری

وفاداری اتباع نسبت به دولت متبوع خود مفهومی گسترده است که در مواردی در صورت نقض آن، دولت‌ها می‌توانند اقدام به سلب تابعیت از تبعه خود کنند. به‌طور کلی می‌توان از سه مشخصه مجزا به‌عنوان معیار عدم وفاداری نام برد: ارتکاب اعمال ناقض منافع حیاتی دولت، خدمت به حکومت خارجی و انکار وفاداری به دولت متبوع و بیعت با کشور دیگر. این موارد در بند ۳ ماده ۸ کنوانسیون کاهش بی‌تابیتی ۱۹۶۱م مورد تأکید قرار گرفته است. به این امر در مورد b و c بند ۲ ماده ۱۰ قانون شهروندی هند ۱۹۵۵م نیز پرداخته شده است.

۲-۴. خطا و تقلب در کسب تابعیت

در صورتی که فردی در فرایند کسب تابعیت مرتکب خطا و تقلبی شده باشد، معمولاً این مورد یک زمینه برای سلب تابعیت است (Bauböck & Paskalev, 2015, p. 19). این مطلب در بند ۲ ماده ۸ کنوانسیون کاهش بی‌تابیتی ۱۹۶۱م نیز انعکاس یافته است و به‌عنوان استثنائی بر اصل لزوم تابعیت و مجوزی برای سلب تابعیت شناخته شده است.

این موضوع در ماده ۱۰ قانون شهروندی کانادا ۱۹۸۵م^{۲۹} نیز منعکس شده است. شایان ذکر است که مورد اول تا چهارم در خصوص اتباع دارای تابعیت اصلی اعمال نمی‌شود و اصولاً در سطح بین‌المللی سلب تابعیت به‌عنوان مجازات برای اتباع دارای تابعیت اصلی امری مذموم است لذا سلب تابعیت در این موارد اصولاً برای اتباع دارای تابعیت اکتسابی اعمال می‌شود (ارفع‌نیا، ۱۳۸۹، ج ۱، ص. ۴۸).

۲-۲-۵. پناهندگی و مهاجرت

برخی نویسندگان پناهندگی و مهاجرت را نیز جزء موارد استثنای اصل لزوم تابعیت آورده‌اند (نصیری، ۱۳۹۰، ص. ۳۹). توضیح آنکه با وجود اینکه در بیشتر مواقع پناهندگی و مهاجرت از موارد از دست دادن خودکار تابعیت به‌خصوص با قانون خاص است، ولی همچنان در بند ۳ ماده ۸ کنوانسیون کاهش بی‌تابعیتی ۱۹۶۱م جزء استثنائات اصل لزوم تابعیت بیان شده است. باید دقت نمود که این مورد غیر از موردی است که فردی تابعیت خارجی کسب می‌کند و تابعیت قبلی‌اش به‌طور خودکار از دست می‌رود که در آن مورد بی‌تابعیتی رخ نمی‌دهد.

در پناهندگی و مهاجرت با وجود اینکه سلب تابعیت ممکن است باعث به‌وجود آمدن بی‌تابعیتی شود، مجوز این امر برای دولت‌ها وجود دارد. علت این امر این است که دولت اجباری ندارد اشخاصی را که ترک وطن می‌کنند و حکومت خودشان را به رسمیت نمی‌شناسند و قصد مراجعت ندارند و دولت هم نمی‌تواند نسبت به آنان اعمال حاکمیت کند تبعه خود بداند (نصیری، ۱۳۹۰، صص. ۳۹-۴۰). با این وجود به نظر می‌رسد این مورد را باید بسیار محدود نمود و شاید نهایتاً آنرا فقط در حالتی که فرد در کشور مقصد از حداقل حقوق برخوردار است، مجاز نمود زیرا در اینجا تابعیت اصلی و نه اکتسابی سلب می‌شود.

۳. راهکارهای جلوگیری و حل مسئله بی‌تابعیتی

در این فصل با در نظر داشتن آنچه پیش از این بیان شد به‌خصوص علل و استثنائات بی‌تابعیتی، به راهکارهای عملی که به منظور جلوگیری و رفع موارد غیرمجاز بی‌تابعیتی اتخاذ شده است یا باید اتخاذ شود در اسناد بین‌المللی، منطقه‌ای و حقوق خارجی پرداخته می‌شود تا ضمن دستیابی به جمیع راهکارها در عرصه بین‌الملل، اقدام به

ارزیابی حقوق ایران در موضوع بی‌تابیتی و به‌کار بستن این راهکارها نمایم و از این رهگذر به خلأها، چالش‌ها و موارد ایجادکننده بی‌تابیتی در حقوق ایران دست یابیم و بتوانیم راهکارهایی جهت جلوگیری از بی‌تابیتی و پر کردن این خلأها در حقوق ایران ارائه نمایم. بنابراین ابتدا راهکارهای جلوگیری از بی‌تابیتی در اسناد بین‌المللی، منطقه‌ای و حقوق خارجی مطرح و سپس راهکارهای جلوگیری از بی‌تابیتی در حقوق ایران در پرتو ارزیابی نظام حقوقی ایران ارائه خواهد شد.

در نظر برخی نویسندگان برای جلوگیری کامل از بی‌تابیتی راهکاری وجود ندارد؛ اما راهکار موقت، تنظیم قواعد تابعیت در کشورها با در نظر گرفتن اصل منع بی‌تابیتی است. برای مثال، قوانین کشورها، افراد بی‌تابیتی را که با آنها رابطه مؤثر دارند تحت پوشش حمایتی قرار دهد یا کشورها به اتباع خود تنها در صورت کسب تابعیت کشور دیگر اجازه ترک تابعیت بدهند (سلجوقی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص. ۱۶۲). در ادامه به برخی از راهکارهای عملی برای رفع بی‌تابیتی در اسناد بین‌المللی، منطقه‌ای و حقوق خارجی پرداخته می‌شود.

۱-۳. راهکارهای جلوگیری از بی‌تابیتی در آیین اسناد بین‌المللی، منطقه‌ای و حقوق خارجی

۱-۱-۳. ارجاع شخص بدون تابعیت به دولت سابق خود

به‌موجب ماده ۱ پروتکل ویژه لاهه مربوط به بی‌تابیتی مصوب کنفرانس تدوین قوانین بین‌الملل ۱۹۳۰م، کشور محل اقامت شخص بدون تابعیت با وجود شرایطی می‌تواند از دولت سابق فرد تقاضا کند که فردی را که از آن به دلیل اقامت گزیدن در کشور خارجی سلب تابعیت کرده است، به تابعیت خود بپذیرد (ارفع‌نیا، ۱۳۸۹، ج ۱، ص. ۵۲).

۱-۲-۳. امکان پذیر بودن ترک و از دست دادن تابعیت فقط در صورت کسب تابعیت کشور دیگر

دولت‌ها باید شرایطی را فراهم آورند که ترک و از دست دادن تابعیت فقط در صورت کسب تابعیت کشور دیگر میسر باشد (Van Waas, 2008, p. 80). به‌موجب مواد ۵ تا ۸ کنوانسیون کاهش بی‌تابیتی ۱۹۶۱م ترک و از دست دادن تابعیت فقط در صورت کسب تابعیت کشوری دیگر امکان‌پذیر است. قبول ترک ارادی تابعیت در صورت کسب تابعیت کشور دیگر در قوانین تقریباً تمامی کشورهای اروپایی انعکاس یافته است (Dumbrava, 2014, p. 59).

۳-۱-۳. ممنوع بودن موارد غیر مجاز سلب تابعیت در صورت به وجود آمدن بی‌تابعیتی
اصولاً دولت‌ها تنها زمانی مجاز به سلب تابعیت از تبعه خود هستند که وی دچار بی‌تابعیتی نشود که این امر در بند ۱ ماده ۸ کنوانسیون کاهش بی‌تابعیتی ۱۹۶۱م نیز بیان شده است. البته این اصل همان‌طور که در بخش قبل گفته شد دارای استثنائاتی است (Molnár, 2015, pp. 73&80).

۳-۱-۴. عدم رد درخواست تابعیت، از دست دادن یا محرومیت از تابعیت به صورت تبعیض آمیز
به موجب اقدام چهارم از برنامه اقدام جهانی برای پایان دادن به مسئله بی‌تابعیتی ۲۰۱۴-۲۰۲۴م کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد، باید از رد درخواست تابعیت یا از دست دادن یا محرومیت از تابعیت بر اساس تبعیض جلوگیری نمود. توضیح آنکه تبعیض بر اساس نژاد، رنگ و غیره همیشه از علل بی‌تابعیتی بوده است لذا دولت‌ها باید از رد یا محروم کردن تبعیض آمیز افراد از تابعیت خودداری کنند (Achiron & Govil, 2014, p. 30). شایان ذکر است تفاوت این راهکار ارائه شده با راهکار قبلی در این است که اینجا: اولاً. بر اساس تبعیض، بی‌تابعیتی رخ می‌دهد؛ ثانیاً. علاوه بر سلب تابعیت، به رد درخواست تابعیت نیز اشاره شده است.

۳-۱-۵. اعمال سیستم خاک در کشورها برای متولدین بی‌تابعیت

به‌طور کلی وجود سیستم خاک باعث عدم سرایت بی‌تابعیتی بین نسل‌ها می‌شود (Lawrance & Stevens, 2017, pp. 38 & 41). به موجب کنوانسیون کاهش بی‌تابعیتی ۱۹۶۱م دولت‌ها باید تابعیت خود را به فردی که در آن سرزمین متولد شده است و در صورت عدم اعطای تابعیت مذکور فرد بی‌تابعیت می‌شود، اعطا نمایند. این طفل مذکور که در صورت عدم اعطای تابعیت، بدون تابعیت می‌ماند، مطابق این کنوانسیون می‌تواند طفل نامشروع یا طفل سرراهی پیدا شده در قلمرو کشور متعهد یا طفل مشروع متولد از مادری که تبعه آن کشور است، باشد. این امر در اقدام دوم از برنامه اقدام جهانی برای پایان دادن به مسئله بی‌تابعیتی ۲۰۱۴-۲۰۲۴م تحت عنوان «حصول اطمینان از اینکه هیچ کودکی بی‌تابعیت به دنیا نخواهد آمد»^{۳۰} مورد تأکید قرار گرفته است.

۳-۱-۶. اعطای تابعیت با وجود شرایط خاص و یا ارتباط مؤثر

به موجب برخی قوانین داخلی کشورها یا قراردادهای بین‌المللی در صورت وجود شرایطی خاص برای فرد بی‌تابعیت یا وجود ارتباط مؤثر به منظور جلوگیری از بی‌تابیتی، تابعیت به فرد بی‌تابعیت اعطا می‌شود؛ به عنوان مثال به موجب کنوانسیون کاهش بی‌تابیتی ۱۹۶۱م طفل متولد شده در هواپیما یا کشتی، تابع کشور صاحب پرچم آن کشتی یا هواپیما می‌شود یا اگر فرد بی‌تابیتی که در قلمرو کشور متعهد محل سکونتش متولد نشده، یکی از والدینش به هنگام تولد متبوع آن کشور بوده باشند، به آن فرد تابعیت آن کشور اعطا می‌شود یا حتی در شرایطی که تابعیت والدین طفل متعلق به کشور مذکور نیست باز تحت شرایطی که ذیل ماده ۴ این کنوانسیون بیان شده است تابعیت کشور مورد نظر به آن فرد اعطا می‌شود (Achiron & Govil, 2014, p. 32) یا در صورت جابه‌جایی و تغییر دولت‌ها به موجب حقوق بین‌الملل، قطعنامه ۵۵/۱۵۳ مجمع عمومی سازمان ملل^{۳۱} و ارتباط با همان خاک باید تابعیت کشور جدید به افراد داده شود تا از بی‌تابیت شدن افراد جلوگیری شود (Edwards & Van Waas, 2014, p. 228).

۳-۱-۷. حذف تبعیض جنسیتی از قوانین تابعیتی کشورها

پیروی از اصل عدم تبعیض و برابری جنسیتی در برخوردار کردن افراد از حقوق بشر توسط دولت‌ها موجب جلوگیری از بی‌تابیتی زنان و فرزندانشان می‌شود (حسینی، ۱۳۹۶، ۱۱۱). این موضوع در ماده ۹ کنوانسیون رفع هر گونه تبعیض علیه زنان ۱۹۷۹م^{۳۲} و در اقدام سوم از برنامه اقدام جهانی برای پایان دادن به مسئله بی‌تابیتی ۲۰۱۴-۲۰۲۴م به صراحت بیان شده است.

۳-۱-۸. پیوستن کشورها به کنوانسیون‌های افراد بی‌تابعیت

با این اقدام کشورها ملزم و متعهد می‌شوند تا راهکارهای ارائه شده برای جلوگیری از بی‌تابیتی و حل آن را به کار گیرند. شایان ذکر است که هنوز بسیاری از کشورها به دو کنوانسیون اصلی و مهم در بحث بی‌تابیتی یعنی کنوانسیون ۱۹۵۴م مربوط به وضعیت افراد بی‌تابعیت و کنوانسیون ۱۹۶۱م در مورد کاهش بی‌تابیتی ملحق نشده‌اند (Edwards & Van Waas, 2014, p. 94). این مطلب در اقدام نهم از برنامه اقدام جهانی برای پایان دادن به مسئله بی‌تابیتی ۲۰۱۴-۲۰۲۴م نیز بیان شده است.

۳-۱-۹. اصلاح قوانین و سیاست‌ها

یکی از راهکارهایی که کمک عملی می‌کند، اصلاح قوانین تابعیتی و محدوده شمول آنهاست (Coventry Peace House, 2008, p. 87). توضیح آنکه کشورها به‌خصوص کشورهای مواجه با مشکل بی‌تابعیتی، جهت جلوگیری از ایجاد و ادامه یافتن بی‌تابعیتی و کاهش آن باید چارچوب قانونی و سیاسی خود را با اصل منع بی‌تابعیتی و لزوم تابعیت همسو کنند (Institute on Statelessness, 2014, p. 137)؛ بدین معنی که موارد مذکور در این بخش را در قوانین خود بگنجانند و سیاست‌های تابعیتی خود را در راستای این اصل کنند و حمایت‌های لازم را به عمل آورند.

۳-۱-۱۰. بهبود سیستم ثبت احوال و فرایند اداری صدور سند تابعیت

یکی از مؤثرترین راهکارهای پیشگیری از ایجاد بی‌تابعیتی، بهبود سیستم ثبت احوال در کشورها برای اطمینان از ثبت تولد نوزادان در هنگام تولد است که در اسناد بین‌المللی (Southwich & Lynch, 2009, p. 4) و اقدام هفتم از برنامه اقدام جهانی برای پایان دادن به مسئله بی‌تابعیتی ۲۰۱۴-۲۰۲۴م به آن تصریح شده است. همچنین بهبود فرایند اداری کسب تابعیت و برداشتن موانع سخت‌گیرانه و بعضاً تبعیض‌آمیز آن می‌تواند به‌عنوان راهکاری جداگانه موجب حل مسئله بی‌تابعیتی و تسهیل کسب تابعیت برای افراد بی‌تابعیت شود که در اقدام هشتم از برنامه اقدام جهانی برای پایان دادن به مسئله بی‌تابعیتی ۲۰۱۴-۲۰۲۴م مورد تأکید قرار گرفته است. راهکار بهبود فرایند اداری صدور سند تابعیت می‌تواند مصداقی از راهکار عدم رد درخواست تابعیت باشد.

در پایان این بخش شایان ذکر است راه‌هایی برای از بین بردن موقت برخی آثار بی‌تابعیتی وجود دارد که البته به‌عنوان راهکار برای جلوگیری از بی‌تابعیتی شناخته نمی‌شوند. به‌عنوان مثال در نظر گرفتن امتیازاتی برای اشخاص بی‌تابعیت و اعطای برخی حقوق همانند حق کار، تحصیل یا درمان برای پناهنجویان و افراد بی‌تابعیت به‌عنوان راهکاری موقت جهت بهبود وضعیت بی‌تابعیت‌ها ارائه شده است (Coventry Peace House, 2008, p. 105). توضیح آنکه به‌موجب برخی قراردادهای بین‌المللی و قوانین داخلی کشورها، امتیازاتی برای اشخاص بدون تابعیت در نظر گرفته شده است؛ مانند ورقه هویت مخصوصی با عنوان گذرنامه نانس‌ن که برای پناهندگان روسی و ارمنی در

نظر گرفته شده بود یا به‌عنوان مثال به‌موجب کنوانسیون ۱۹۵۴ م مربوط به وضعیت افراد بی‌تابعیت، برای اشخاص بی‌تابعیت در مواردی حقوقی در حد اتباع در نظر گرفته شده است (ارفع‌نیا، ۱۳۸۹، ج ۱، صص. ۵۲-۵۳) تا این افراد حداقل از برخی حمایت‌ها و حقوق ابتدایی برخوردار باشند اما این دسته اقدامات به‌عنوان درمان موقت برخی آثار بی‌تابعیتی مثل برخورداری از بعضی حقوق اساسی بشر است نه از بین بردن خود بی‌تابعیتی و تنها زمانی این امتیازات و حمایت‌ها منجر به از بین رفتن بی‌تابعیتی می‌شود که امکان کسب تابعیت برای افراد بی‌تابعیت تسهیل شود که به این امر در اقدام ششم از برنامه اقدام جهانی برای پایان دادن به مسئله بی‌تابعیتی ۲۰۱۴-۲۰۲۴ م اشاره شده است.

۲-۳. راهکارهای جلوگیری از بی‌تابعیتی در آینه حقوق ایران در پرتو ارزیابی نظام حقوقی ایران

برای به‌دست آوردن راهکارهای جلوگیری از بی‌تابعیتی در حقوق ایران، ابتدا باید موارد بی‌تابعیتی، خلأها و چالش‌های موجود در حقوق ایران را به‌دست آورد و شناسایی این موارد تنها با ارزیابی حقوق ایران با توجه به تمام آنچه به‌دست آمد از جمله علل و موارد مجاز بی‌تابعیتی و راهکارهای مذکور، محقق می‌شود. برای ارزیابی حقوق ایران نیز ابتدا باید به اقدامات ایران در همسویی با قواعد بین‌المللی، پیاده‌سازی اصل لزوم تابعیت و منع بی‌تابعیتی و به‌عبارت دیگر به‌کار بستن راهکارهای جلوگیری از بی‌تابعیتی پرداخته شود تا بدین طریق خلأهای موجود در حقوق ایران و قوانین و موارد ایجادکننده بی‌تابعیتی مشخص شود و راهکارهای مناسب جهت جلوگیری از این موارد و اصلاح وضع موجود اتخاذ شود. بنابراین در این بخش ابتدا به راهکارهای موجود در نظام حقوقی ایران جهت رفع بی‌تابعیتی با توجه به راهکارهای ذکر شده در مقررات بین‌المللی، منطقه‌ای و حقوق خارجی پرداخته می‌شود و سپس با بررسی خلأهای قانونی، راهکارهای پیشنهادی جلوگیری از بی‌تابعیتی در نظام حقوقی ایران ارائه می‌شود.

۱-۲-۳. راهکارهای موجود در نظام حقوقی ایران جهت رفع بی‌تابعیتی

یکی از راه‌های شناسایی چالش‌ها و موارد ایجادکننده بی‌تابعیتی در حقوق ایران و ارائه

راهکارهای مناسب برای حل آن، ارزیابی نظام حقوقی ایران در زمینه بی‌تابعیتی و شناسایی موارد همسویی آن با مقررات بین‌المللی و به‌عبارت دیگر شناسایی راهکارهای موجود در نظام حقوقی ایران جهت رفع بی‌تابعیتی است زیرا شناسایی این موارد، منجر به مشخص شدن خلأها و موارد ناهمسو و ارائه راهکارهای مناسب برای آنها می‌شود. فایده شناسایی موارد همسویی تنها شناسایی خلأهای موجود و ارائه راهکار نیست بلکه فواید دیگری نیز دارد از جمله اینکه وضعیت و اقدامات مثبت کشورمان را به لحاظ حقوق بشری روشن می‌کند. حال در ادامه به موارد همسویی حقوق ایران با اصل منع بی‌تابعیتی پرداخته می‌شود.

الف. ممنوع بودن سلب و محرومیت از تابعیت

بعد از حذف ماده ۹۸۱ قانون مدنی^{۳۳} - که سلب تابعیت را در مواردی مجاز می‌نمود - به علت مغایرت با اصول ۴۱ و ۴۲ قانون اساسی - همان‌طور که در ادامه خواهد آمد، سلب تابعیت را به اختیار دولت تنها در حالت کسب تابعیت دیگر ممکن می‌داند - (فدوی، ۱۳۸۲، ص. ۱۰۳)، در حقوق ایران امروزه اصولاً سلب و محرومیت از تابعیت به کلی وجود ندارد که باعث ایجاد بی‌تابعیتی شود و از طرف دیگر طبق اصول ۴۱ و ۴۲ قانون اساسی اختیار سلب تابعیت فقط در صورت درخواست فرد یا کسب تابعیت کشوری دیگر امکان‌پذیر است که اطلاق سلب تابعیت در صورت درخواست فرد، مبتنی بر مسامحه بوده و مقصود همان ترک تابعیت است و سلب تابعیت در صورت کسب تابعیت کشور دیگر نیز منجر به بی‌تابعیتی نمی‌شود که این مطلب در بدو امر مطابق با راهکار سوم ارائه شده در بخش قبل یعنی راهکارهای جلوگیری از بی‌تابعیتی در آیین اسناد بین‌المللی، منطقه‌ای و حقوق خارجی به نظر می‌رسد. اما باید گفت در مجموع این دو اصل از سویی با اصل منع بی‌تابعیتی همسو است و از سوی دیگر ناهمسو (سلجوقی، ۱۳۷۰، ج ۱، صص. ۱۶۲ و ۱۹۸ و ۲۳۵). قسمت ناهمسو یعنی سلب تابعیت با درخواست فرد که موجب بی‌تابعیتی می‌شود، در ادامه در بخش خلأهای قانونی و راهکارهای پیشنهادی در نظام حقوقی ایران خواهد آمد. اما در قسمت همسو با اصل منع بی‌تابعیتی یعنی سلب تابعیت فقط در صورت کسب تابعیت کشوری دیگر، با وجود اینکه به‌طور کلی محدود شدن سلب تابعیت و صرف امکان آن

در صورت کسب تابعیت کشوری دیگر، مانع از ایجاد بی‌تابیتی است، اما اعمال مطلق آن حتی در موارد مجاز بی‌تابیتی مورد نقد است زیرا آنچه در حقوق بین‌الملل مذموم است و این پژوهش در پی رفع آن است، موارد غیرمجاز بی‌تابیتی است اما حقوق ایران حتی در مواردی که با عنوان موارد مجاز بی‌تابیتی بیان شد - که گفته شد در این موارد به دلیل مصالح عالی تری دولت‌ها مجوز سلب و محروم کردن افراد از تابعیت را دارند - نیز اجازه سلب تابعیت نمی‌دهد و به‌عنوان مثال حتی اگر یک فرد ایرانی شدیدترین اتهامات جاسوسی را داشته باشد درحالی‌که هیچ‌گونه تعلق به ایران ندارد، نمی‌توان از او سلب تابعیت نمود مگر خود وی درخواست کند یا به تابعیت کشور دیگری درآید و حتی به‌واسطه پناهندگی و مهاجرت نیز نمی‌توان اتباع ایران را از تابعیت ایرانی محروم کرد.

ب. اعمال سیستم خاک برای متولدین بی‌تابیت

همان‌طور که در راهکار پنجم موجود در عرصه بین‌الملل گفته شد، یکی از راهکارهای جلوگیری از بی‌تابیتی، اعمال سیستم خاک برای اطفالی است که در صورت عدم اعطای تابعیت، بی‌تابیت می‌شوند. در حقوق ایران اعمال سیستم خاک به‌نحوی در نظر گرفته شده است که مانعی محکم از ایجاد بی‌تابیتی و راه‌حلی برای آن باشد (غفران‌راد، ۱۳۹۳، ص. ۱۶۷). برای مثال طبق بند ۳ ماده ۹۷۶ قانون مدنی کسانی که در ایران متولد شوند و مادر و پدرشان نامعلوم باشد، تبعه ایران محسوب می‌شوند. همچنین مطابق بند ۴ همین ماده کسانی که در ایران متولد شده باشند و یکی از مادر و پدرشان نیز در ایران متولد شده باشد هم تبعه ایران محسوب می‌شوند. از دیگر موارد می‌توان به تبصره ۲ ماده واحده تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی مصوب ۱۳۹۸ اشاره نمود که امکان کسب تابعیت را برای افراد بی‌تابیت به صرف تولد وی یا حداقل یکی از والدینش در ایران، فراهم شده است.

در کنار نمونه‌های فوق‌الذکر، تابعیت طفل طبیعی (نامشروع) است که حسب نظری با اعمال سیستم خاک (فدایی تهرانی، ۱۳۹۴، ص. ۳۸) و حسب نظر دیگر با اعمال سیستم خون امکان‌پذیر است (دانش‌پژوه، ۱۳۸۲، ص. ۷۰) که مانع بی‌تابیتی آن می‌شود.

ج. اعطای تابعیت با وجود شرایط خاص و یا ارتباط مؤثر

درباره اعطای تابعیت با وجود شرایط خاص و یا ارتباط مؤثر که به عنوان راهکار ششم در عرصه بین‌الملل ذکر شد نیز همانند سایر موارد، راهکار و مقرراتی در حقوق ایران وجود دارد که با وجود برخی شرایط خاص یا ارتباط مؤثر، تابعیت اعطا می‌شود. برای مثال طبق نص بند ۱ ماده ۹۷۶ نیز می‌توان به ساکنین ایران که تابعیت خارجی آنها غیرمسلم هست، تابعیت ایرانی اعطا کرد که اعمال این بند با وجود داشتن معایب قابل رفع، بی‌تابعتی را به‌طور کامل از بین می‌برد (غفران‌راد، ۱۳۹۳، صص. ۱۶۳-۱۶۶). همچنین مطابق بند ۵ ماده ۹۷۶ قانون مدنی کسی که پدرش تبعه کشور خارجی است و در ایران متولد می‌شود، تحت شرایطی بعد از ۱۸ سالگی ایرانی محسوب می‌شود یا طبق ماده ۹۸۴ همان قانون زن و اولاد صغیر کسب‌کنندگان ذکور تابعیت ایرانی نیز ایرانی محسوب می‌شوند. مورد دیگر امکان بازگشت به تابعیت ایرانی به درخواست زن مطلقه از شوهر خارجی است که در ماده ۹۸۷ منعکس شده است، که همگی موارد فوق مانع وجود بی‌تابعتی به دلیل شرایط خاص یا ارتباط مؤثر است.

د. حذف تبعیض جنسیتی در اعطای تابعیت

یکی از راهکارهای به‌کار گرفته شده در حقوق ایران که به عنوان راهکار هفتم در بخش قبل و حقوق خارجی ذکر شد، حذف تبعیض جنسیتی در اعطای تابعیت است. بارزترین مورد در خصوص حذف تبعیض جنسیتی در اعطای تابعیت در حقوق ایران، ماده واحده تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی مصوب ۱۳۹۸ است که طبق آن انتقال تابعیت از طریق زن (مادر) به فرزند ممکن شده است تا بین مرد (پدر) و زن در انتقال تابعیت به فرزند تبعیضی نباشد و بی‌تابعتی در نتیجه عدم انتقال تابعیت از طریق مادر به وجود نیاید. برای مثال پیش از تصویب این قانون در صورتی که سیستم اعطای تابعیت کشور پدر غیرایرانی سیستم خاک بود و طفل متولد از مادر ایرانی در خاک ایران متولد شده بود آنگاه این طفل بی‌تابعتی می‌شد.

شایان ذکر است رویکرد افراطی قانون‌گذار به‌خصوص در عدم توجه به وجود علقه و ایجاد پدیده دو تابعیتی در ماده واحده فوق‌الذکر که بعد از تحولات گسترده‌ای در

حقوق ایران به تصویب رسیده است محل نقد است (قاسمی و بافهم، ۱۳۹۹، صص. ۱۴۵-۱۴۶).

هم عدم از دست دادن تابعیت در صورت کسب تابعیت کشور دیگر

در حقوق ایران مطابق با راهکار دوم ارائه شده در عرصه بین‌الملل، اصولاً از دست دادن خودکار تابعیت وجود ندارد مگر در یک صورت که آن هم مشروط به گرفتن تابعیت کشور دیگر است که از بی‌تابیتی جلوگیری می‌کند و آن مورد ازدواج زن ایرانی با مرد خارجی است که مطابق ماده ۹۸۷ قانون مدنی تابعیت ایرانی زن در صورتی که تابعیت کشور شوهر به زن تحمیل شود، از دست می‌رود. شایان ذکر است که از دست دادن خودکار تابعیت در اینجا غیر از سلب تابعیت است که به واسطه اقدام مستقیم دولت اتفاق می‌افتد و نیز متفاوت از ترک ارادی تابعیت است.

با وجود اینکه نبود مقرره‌ای برای از دست دادن خودکار تابعیت در حقوق ایران، مانع از بی‌تابیتی است و علی‌الاصول مانع از کسب تابعیت خارجی نمی‌باشد ولی ممکن است در موارد نادری منجر به ایجاد تابعیت مضاعف شود. توضیح آنکه در حقوق بین‌الملل همان‌طور که در ماده ۱۶ کنوانسیون تابعیت اروپا ۱۹۹۷م هم آمده است، کسب تابعیت خارجی در مواردی که ترک تابعیت قبلی ممکن نیست یا منطقاً نیاز نیست یا موجب بی‌تابیتی است، منوط به ترک تابعیت قبلی نیست و این امر در قوانین کشورها به‌عنوان مثال در مورد b بند ۱ ماده ۹ قانون تابعیت هلند، انعکاس یافته است لذا در حالات مذکور در صورت عدم خروج فرد از تابعیت ایرانی، تابعیت مضاعف رخ می‌دهد. اما از سوی دیگر برای جلوگیری از تابعیت مضاعف کشورهای بی‌مخالف تابعیت مضاعف هستند، بعد از کسب تابعیت کشورشان، در مواردی که ترک تابعیت قبلی ممکن است، شرط بقای تابعیت جدید را خروج از تابعیت قبلی عنوان کرده‌اند به‌عنوان نمونه مورد d بند ۱ ماده ۱۵ قانون تابعیت هلند اشاره به این امر دارد. بنابراین با شرط کردن خروج از تابعیت قبلی بعد از کسب تابعیت جدید آن هم منوط به ممکن بودن آن، هم کسب تابعیت جدید ممکن شده و هم حتی‌الامکان از تابعیت مضاعف جلوگیری شده است.

و. موارد استثنایی امکان پذیر بودن ترک ارادی تابعیت در صورت کسب تابعیت کشور دیگر

همان‌طور که در ادامه خواهد آمد، طبق ماده ۹۸۸ قانون مدنی اصل در حقوق ایران مبنی بر ترک ارادی تابعیت بدون نیاز به کسب تابعیت کشور دیگر است اما در برخی موارد موارد استثنایی در حقوق ایران، همسو با راهکار دوم ارائه شده در حقوق خارجی، ترک تابعیت منوط به ارائه مدارک کسب تابعیت کشور دیگر است تا بی‌تابعیتی رخ ندهد؛ برای مثال می‌توان به ماده ۹۷۷ قانون مدنی اشاره کرد که تبعه ایران مذکور در بندهای ۵ و ۶ ماده ۹۷۶ قانون مدنی با وجود شرایط ماده ۹۷۷ باید گواهی پذیرش تابعیت کشور دیگر را برای ترک تابعیت ایران ارائه دهند تا بی‌تابعیتی رخ ندهد. همچنین ترک تابعیت ایران مطابق با ماده ۹۸۴ قانون مدنی توسط زن و اولاد کسانی که به تابعیت ایران درآمده‌اند نیز با وجود شرایط مذکور در ماده منوط به ارائه گواهی پذیرش تابعیت کشور دیگر است.

از مطالب فوق در می‌یابیم در حقوق ایران در بیشتر موارد توجه به اصل منع بی‌تابعیتی وجود دارد و قوانینی همسو با آن وضع شده‌اند و نظام حقوقی ایران در بحث تابعیت اصولاً با مقررات بین‌المللی همسو است.

۲-۳. راهکارهای پیشنهادی در نظام حقوقی ایران در پرتو بررسی خلأهای قانونی

حال که راهکارهای موجود در نظام حقوقی ایران و موارد همسویی با اصل منع بی‌تابعیتی و راهکارهای موجود در عرصه بین‌الملل مشخص شد، خلأهای قانونی و مواردی که حقوق ایران با این اصل در تضاد هست نیز مشخص می‌شود تا جهت رفع آنها راهکارهای مناسب ارائه شود و اقدامات و اصلاحات لازم برای وضع موجود صورت گیرد. بنابراین در ادامه با توجه به تمام آنچه که با پیمودن سیر این مقاله به دست آمد، در راستای حل این چالش حقوقی موجود در جامعه و برای رعایت صحیح اصل منع بی‌تابعیتی و تکمیل راهکارهای اتخاذ شده و همچنین برطرف کردن آثار سوء زیاده روی در اجرای این اصل در حقوق ایران، راهکارهایی در پرتو بررسی خلأهای قانونی و موارد ایجادکننده بی‌تابعیتی در نظام حقوقی ایران ارائه می‌شود که هر راهکار خود دربردارنده توضیح، چند اصلاح و پیشنهاد است.

الف. مشروط کردن ترک تابعیت به کسب تابعیت جدید یا لغو خودکار تابعیت در صورت کسب تابعیت دیگر

در حقوق ایران از دست دادن ارادی تابعیت یا همان ترک ارادی تابعیت، طبق نص ماده ۹۸۸ قانون مدنی که شرایط ترک تابعیت را ذکر کرده است و اصل ۴۱ و ۴۲ قانون اساسی که گفته شد مقصود از سلب در صورت درخواست فرد همان ترک تابعیت است، نیازی به أخذ و پذیرش تابعیت کشور دیگر ندارد (سلجوقی، ۱۳۷۰، ج ۱، صص. ۱۹۸ و ۲۲۸ و ۲۲۹) و این امر در صورتی که فرد نتواند تابعیت خارجی کسب کند، منجر به ایجاد بی‌تابیتی است و مغایر با اصول منع بی‌تابیتی و لزوم تابعیت است که به‌عنوان یک خلأ قانونی ایجادکننده بی‌تابیتی در نظام حقوقی ایران شناسایی می‌شود. با این توصیف اولین راهکار پیشنهادی جهت جلوگیری از ایجاد بی‌تابیتی در حقوق ایران، مربوط به معضل ترک ارادی تابعیت بدون کسب تابعیت کشور دیگر است و آن اصلاح ماده ۹۸۸ قانون مدنی و اضافه کردن شرط ارائه سندی مبنی بر پذیرش تابعیت کشور دیگر جهت ترک تابعیت ایران است تا فرد در صورت ترک تابعیت، بدون تابعیت نشود. گذاشتن چنین شرطی نه تنها در قوانین سایر کشور همچون بند ۳ از بخش ۱۲ قانون تابعیت بریتانیا ۱۹۸۱م مسبوق به سابقه است بلکه مانع از کسب تابعیت خارجی نیز نمی‌باشد زیرا بیان شد که اصولاً در حقوق بین‌الملل کسب تابعیت جدید منوط به خروج از تابعیت قبلی نیست و کشورها بعد از کسب تابعیت جدید، شرط خروج از تابعیت قبلی را می‌کنند لذا نظام حقوقی ایران باید ترک ارادی تابعیت را منوط به کسب تابعیت جدید و درخواست فرد با ارائه اسناد کند. همچنین حقوق ایران می‌تواند به‌گونه دیگری اصلاح شود و آن اینکه به‌جای آنکه ترک ارادی تابعیت پیش‌بینی شود، از دست دادن خودکار تابعیت ایرانی مشروط به کسب تابعیت جدید پیش‌بینی شود و به صورت خودکار در صورت کسب تابعیت جدید، تابعیت ایرانی لغو شده به حساب آید. این اصلاح، هم کسب تابعیت جدید را آسان می‌کند و هم از تابعیت مضاعف جلوگیری می‌کند. مضافاً برای جلوگیری از مشکلات بعدی نیز امکان رجوع آسان به تابعیت ایرانی در صورت لغو تابعیت جدید نیز پیش‌بینی شود.

ب. پیوستن ایران به کنوانسیون‌های اصلی مربوط به بی‌تابعیتی

کشور ایران به هیچ‌یک از کنوانسیون‌های اصلی مربوط به بی‌تابعیتی یعنی کنوانسیون ۱۹۵۴ و ۱۹۶۱م ملحق نشده است (Achiron & Govil, 2014, pp. 58&60). این امر سبب شده است تا در برخی از خلأها و موارد ایجادکننده بی‌تابعیتی موجود، منبع تکمیلی وجود نداشته باشد. با این وجود شایان ذکر است که ایران در موارد معدودی به برخی کنوانسیون‌های مربوط ملحق شده است؛ برای مثال مطابق قانون کنوانسیون مربوط به وضع پناهندگان و پروتکل آن، ایران به کنوانسیون مربوط به وضع پناهندگان ۱۹۵۱م ملحق شده است که در ماده ۳۴ آن اشاره به بی‌تابعیتی می‌شود و همچنین طبق قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون بین‌المللی منع و مجازات جنایت آپارتاید، ایران به این کنوانسیون نیز ملحق شده است که یکی از آثار ممنوعیت مجازات آپارتاید، عدم سلب تابعیت به واسطه تبعیض نژادی است.

پیوستن به کنوانسیون‌های اصلی و مربوط به بی‌تابعیتی به‌عنوان راهکار پیشنهادی، هم در جهت رفع خلأهای موجود و حل معضل بی‌تابعیتی است و هم در جهت برطرف کردن آثار سوء زیاده‌روی در اجرای اصل منع بی‌تابعیتی است با این هدف که هم راه برای جلوگیری از بی‌تابعیتی بیش از پیش فراهم شود و خلأهای قانونی پر شود و هم امکان اعمال سلب تابعیت به‌عنوان مجازات در موارد مجاز نیز فراهم شود زیرا فقدان سلب تابعیت به‌عنوان مجازات در موارد مجاز و استثنای اصل منع بی‌تابعیتی امری ضروری و یک خلأ قانونی در حقوق ایران است که تأمین مصالح عالی‌تر را ناممکن می‌سازد و همان‌طور که بیان شد اکثر کشورها در این زمینه مقرراتی دارند. شایان ذکر است در این خصوص در بدو امر اصلاح قوانین داخلی جهت برگرداندن سلب تابعیت به قوانین در موارد مجاز و استثنای اصل لزوم تابعیت از جمله تهدید علیه امنیت عمومی و نقض وظیفه وفاداری، امری لازم است لکن پیوستن به کنوانسیون‌ها در مرحله بعد به‌عنوان منابع تکمیلی توصیه می‌شود.

ج. تقویت سیستم ثبت احوال و برداشتن موانع قانونی کسب تابعیت

به‌طورکلی هر چند در ایران تلاش‌ها و اقدامات قانونی و حمایتی خوبی در زمینه بی‌تابعیتی به‌خصوص در استان سیستان و بلوچستان صورت گرفته است و به‌عنوان

مثال در روند صدور شناسنامه برای درخواست‌های موجود تسریع و یا کارت شناسایی موقت برای پناهندگان صادر شده است تا دسترسی آنها به خدمات تضمین شود اما حسب گزارش سالانه کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۸م^{۳۳} در خصوص وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران که به نقل از مقامات و سایت‌های رسمی کشور است، با وجود اینکه آمار رسمی از تعداد شهروندان بلوچ بدون مدرک تابعیت وجود ندارد اما داده‌های رسمی موجود نشان می‌دهد که این رقم بیش از ۲۰۰۰۰ نفر است زیرا فقط حدود ۲۰ هزار کودک بی‌تابعیت در سیستان و بلوچستان وجود دارد که با استفاده از کارت ویژه کودکان در مدارس ثبت‌نام کرده‌اند اما تعداد افراد بی‌تابعیت در سیستان بیش از این مقدار است زیرا رقم مذکور شامل بزرگسالان یا کودکان بدون این کارت نمی‌شود.

عمده دلیل بی‌تابیتی و عدم صدور شناسنامه در این استان ناشی از عدم اقدام مقتضی برای دریافت شناسنامه در موعد مقرر، ضعف سیستم ثبت احوال و فقدان مدارک لازم برای دریافت شناسنامه یا عدم دسترسی به آن است. هر چند حفظ نظم عمومی ایجاب می‌کند که برای کسب تابعیت و صدور شناسنامه، مدارک کافی در دسترس باشد اما راه‌هایی وجود دارد که در این موارد تا حدی از سختگیری کاسته شود.

راهکار پیشنهادی به‌طور خلاصه تقویت سیستم ثبت احوال برای ثبت تولد کودکان و برداشتن موانع قانونی کسب تابعیت برای بزرگسالان است. توضیح آنکه یکی از راهکارها برای جلوگیری از عدم ثبت تولد کودکان، هماهنگی بین سیستم ثبت احوال با بیمارستان‌ها است تا به محض تولد، احوال کودک ثبت شود و گرفتن شناسنامه در مراحل بعدی منوط به مراجعه حضوری و ارائه سایر مدارک باشد. اما برای حل مشکل بی‌تابیتی بزرگسالان، در صورت فقدان مدارک لازم برای دریافت شناسنامه یا عدم دسترسی به آن، باید دلایل اثبات‌کننده رابطه فرد با ایران گسترده‌تر شود و محدود به مدارک منحصر به فردی نباشد به‌خصوص زمانی که اثبات ایرانی‌بودن به‌وسیله ادله دیگری از جمله شهادت مقامات یا ساکنین آن محل میسر است یا حداقل به‌صورت موردی برای مناطق خاصی همچون سیستان و بلوچستان، قوانین تسهیل‌کننده کسب تابعیت به تصویب برسد.

د. ایجاد چارچوب صریح قانونی در پذیرش و رد درخواست تابعیت

همان‌گونه که پیش از این ذکر شد، فقدان چارچوب صریح قانونی و به وجود آمدن امکان اعمال تبعیض آمیز و سلیقه‌ای قانون، از علل بی‌تابعیتی در کشورها است اما از این امر در غالب کشورها با ارائه چارچوبی مشخص برای کسب و سلب تابعیت تا حدودی جلوگیری شده است. در حقوق ایران فقدان چارچوب مشخص و صریح قانونی در پذیرش و رد درخواست تابعیت سبب شده است رد درخواست تابعیت بر اساس تبعیض با وجود داشتن تمامی شرایط قانونی امکان‌پذیر باشد و در اکثر موارد به واسطه منوط بودن تمام تصمیمات به نظر هیئت وزیران همچون ماده ۹۸۳ قانون مدنی و ماده ۳ نظام‌نامه قانون تابعیت ایران مصوب ۱۳۱۴، رد درخواست به راحتی در حقوق ایران امکان‌پذیر است و این امر به وضوح مخالف اقدام چهارم برنامه اقدام جهانی برای پایان دادن به مسئله بی‌تابعیتی ۲۰۱۴-۲۰۲۴م است که باید در حقوق ایران شرایطی فراهم شود که در صورت وجود تمامی شرایط قانونی، امکان اعمال سلیقه‌ای در کسب یا رد و سلب تابعیت فراهم نباشد.

با این توصیف راهکار پیشنهادی این است که قوانینی با بیان صریح شرایط، جهت ایجاد چارچوبی برای پذیرش درخواست تابعیت در صورت وجود تمامی شرایط تصویب شود تا از ایجاد تبعیض در رد و پذیرش درخواست تابعیت جلوگیری شود که منجر به ایجاد و بقای بی‌تابعیتی نشود. مشخصاً تدوین قانونی جداگانه همچون کشورهای دیگر با عنوان قانون تابعیت ایران می‌تواند زمینه‌ساز ارائه چارچوبی مشخص و حل مشکلات دیگر باشد.

نتیجه‌گیری

بی‌تابعیتی امری مذموم در حقوق بین‌الملل است که آثار متعدد مخربی از جمله محرومیت از حقوق ابتدایی دارد که اهمیت آن از دقت در آثار آن قابل درک است. بی‌تابعیتی دارای علل مختلفی است و هر چند اصولاً باید از آن جلوگیری کرد اما در برخی موارد به دلیل مصالح عالی‌تری مجاز شمرده شده است. اصل لزوم تابعیت و منع بی‌تابعیتی از اصول مهم حقوق بین‌الملل است که در اسناد بین‌المللی ظهور دارد و از بی‌تابعیتی جلوگیری می‌کند. با عنایت به مطالب بیان شده از جمله علل بی‌تابعیتی، برای

پایه‌سازی این اصل و جلوگیری از بی‌تابعیتی، راهکارهای مؤثر و متفاوتی در حقوق بین‌الملل وجود دارد و از آنجاکه کشورمان از گزند مشکل بی‌تابعیتی در امان نمانده است باید حقوق ایران را در زمینه به‌کار بستن این راهکارها و رعایت اصل منع بی‌تابعیتی مورد ارزیابی قرار داد تا بتوان راهکارهایی برای جلوگیری و حل این مشکل در حقوق ایران ارائه داد. با توجه به یافته‌های به‌دست‌آمده این اصل در قوانین ایران غیر از چند مورد اصولاً رعایت شده است اما برای تحقق کامل و صحیح آن و جلوگیری از موارد غیرمجاز بی‌تابعیتی راهکارهایی وجود دارد که به‌کار بستن آنها به نظام قانون‌گذاری کشور پیشنهاد می‌شود. از جمله این راهکارها مشروط کردن ترک تابعیت به کسب تابعیت جدید، تقویت سیستم ثبت احوال و برداشتن موانع قانونی کسب تابعیت در موارد خاص، پیوستن به کنوانسیون‌های اصلی در بحث تابعیت، اضافه کردن موارد مجاز سلب تابعیت به قوانین و تدوین قانونی مجزا و مشخص‌کننده چارچوب دقیق کسب و سلب تابعیت است.

یادداشت‌ها

1. United Nations High Commissioner for Refugees.
2. The Global Action Plan to End Statelessness 2014-2024. (Available at: www.unhcr.org/54621bf49.html)
3. The principle of prevention of statelessness.
4. Apatride.
5. The Hague Convention on Certain Questions Relating to the Conflict of Nationality Laws 1930. (Available at: www.refworld.org/docid/3ae6b3b00.html)
6. The Hague Protocol Relating to a Certain Case of Statelessness 1930. Available at: www.refworld.org/docid/3ae6b39520.html.
7. "The undersigned Plenipotentiaries, on behalf of their respective Governments, With a view to preventing statelessness arising in certain circumstances, Have agreed as follows".
8. The Hague Special Protocol Concerning Statelessness 1930. (Available at: www.refworld.org/docid/3ae6b36f1f.html)
9. The Universal Declaration of Human Rights 1948. (Available at: www.un.org/en/about-us/universal-declaration-of-human-rights)
10. "Everyone has the right to a nationality"
11. The Convention relating to the Status of Stateless Persons 1954. (Available at: www.unhcr.org/ibelong/wp-content/uploads/1954-Convention-relating-to-the-Status-of-Stateless-Persons_ENG.pdf)

12. The Convention on the Reduction of Statelessness 1961. (Available at: www.unhcr.org/ibelong/wp-content/uploads/1961-Convention-on-the-reduction-of-Statelessness_ENG.pdf.)
13. The European Convention on Nationality 1997. (Available at: rm.coe.int/168007f2c8)
14. The International Covenant on Civil and Political Rights 1966. (Available at: www.ohchr.org/en/professionalinterest/pages/ccpr.aspx)
15. The Convention on the Rights of the Child 1989. (Available at: www.ohchr.org/en/professionalinterest/pages/crc.aspx.)
16. The Convention Relating to the Status of Refugees 1951. (Available at: www.unhcr.org/4ca34be29.pdf)
17. "The Contracting States shall as far as possible facilitate the assimilation and naturalization of refugees. They shall in particular make every effort to expedite naturalization proceedings and to reduce as far as possible the charges and costs of such proceedings".
18. Council of Europe Convention on the Avoidance of Statelessness in relation to State Succession 2006. (Available at: rm.coe.int/1680083747.)
19. De jure statelessness.
20. De facto statelessness.
21. The Nationality Law of the People's Republic of China 1980 Article 10 and 11. (Available at: <https://www.mfa.gov.cn/ce/ceus/eng/ywzn/lsyw/vpna/faq/t710012.htm>)
22. The Citizenship Act of India 1955 Article 10. (Available at: https://www.tiss.edu/uploads/files/Citizenship_Act_1955.pdf)
23. Protocol to the Treaty between the Czechoslovak Republic and the Union of Soviet Socialist Republics concerning the Transcarpathian Ukraine 1945. (Available at: <http://www.forost.ungarisches-institut.de/pdf/19450629-1.pdf>)
۲۴. رومایی‌ها یا مردم کولی یا رومنی، اعضای جامعه روما و مردمی هندوآریایی هستند که به صورت کوچ‌نشین و دوره‌گرد در سراسر اروپا و خاورمیانه یافت می‌شوند که با مشکلات زیادی از جمله بی‌تابعیتی درگیر هستند. (برای اطلاعات بیشتر مشاهده شود:
https://www.coe.int/en/web/commissioner/blog/-/asset_publisher/xZ32OPEoxOkq/content/stateless-roma-no-documents-no-rights?)
25. The Citizenship Act of Slovenia 1999 Article 22. (Available at: <https://www.refworld.org/docid/3ae6b59118.html>)
26. The Netherlands Nationality Act 1984 Article 9. (Available at: https://www.legislationline.org/download/id/5937/file/Netherlands%20Nationality%20Act_2010_en.pdf)
27. The British Nationality Act 1981 Section 40. (Available at: <https://www.legislation.gov.uk/ukpga/1981/61#commentary-c19261771>)
28. The Nationality Law of Algeria 1970 Article 22. (Available at: <https://www.refworld.org/cgi-bin/texis/vtx/rwmain/opensslpdf.pdf?reldoc=y&docid=5b8fa1ba4>)
29. The Citizenship Act of Canada 1985 Article 10. (Available at: <https://laws-lois.justice.gc.ca/eng/acts/c-29/page-3.html#h-81902>)

30. "Ensure that no child is born stateless".
31. Resolution 55/153 on Nationality of natural persons in relation to the succession of States, adopted 30 January, 2001 (A/RES/55/153). (Available at: www.refworld.org/docid/4ae9accb8.html)
32. The Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women 1979. (Available at: <https://www.ohchr.org/documents/professionalinterest/cedaw.pdf>.)
۳۲. متن ماده ۹۸۱ سابق قانون مدنی مصوب ۱۳۱۳/۱۱/۲۷ بدین شرح است: «اگر در ظرف مدت پنج سال از تاریخ صدور سند تابعیت معلوم شود شخصی که به تبعیت ایران قبول شده فراری از خدمت نظام بوده و همچنین هر گاه قبل از انقضای مدتی که مطابق قوانین ایران نسبت به جرم یا مجازات مرور زمان حاصل می‌شود معلوم شود شخصی که به تبعیت قبول شده محکوم به جنحه مهم یا جنایت عمومی است هیئت وزراء حکم خروج او را از تابعیت ایران صادر خواهد کرد. تبصره - اتباع خارجه که به تابعیت ایران قبول می‌شوند در صورتی که در ممالک خارجه متوقف باشند و مرتکب عملیات ذیل شوند علاوه بر اجرای مجازات‌های مقرر، با اجازه هیئت وزراء تابعیت ایران از آنها سلب خواهد شد: الف) کسانی که مرتکب عملیاتی بر ضد امنیت داخلی و خارجی مملکت ایران شوند و مخالفت و ضدیت با اساس حکومت ملی و آزادی بنمایند. ب) کسانی که خدمت نظام وظیفه را به طوری که قانون ایران مقرر می‌دارد ایفا ننمایند».
33. Annual report of the United Nations High Commissioner for Human Rights 2018. (Available at: https://www.ohchr.org/EN/HRBodies/HRC/RegularSessions/Session37/Documents/A_HRC_37_24.docx)

کتابنامه

- آل کجباف، حسین (۱۳۹۰). *بایسته‌های حقوق بین‌الملل خصوصی (۱)*. تهران: جنگل.
- ابراهیمی، سید نصرالله (۱۳۸۳). *حقوق بین‌الملل خصوصی*. تهران: سمت.
- ارفع‌نیا، بهشید (۱۳۸۹). *حقوق بین‌الملل خصوصی*. تهران: بهتاب.
- حسینی، سیده‌لطیفه (۱۳۹۶). *بررسی حقوقی وضعیت تابعیت و بی‌تابعیتی زنان از منظر حقوق بشر*. فصلنامه مطالعات زن و خانواده، ۵(۲)، صص. ۱۰۱-۱۲۸.
- دانش‌پژوه، مصطفی (۱۳۸۲). *تابعیت طفل طبیعی در نظام حقوقی ایران*. روش‌شناسی علوم انسانی، ۳۶(۳)، صص. ۳۹-۷۵.
- دماوندی، فاطمه (۱۳۹۰). *سلب تابعیت در ایران و اسناد بین‌المللی*. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز، دانشکده حقوق، تهران، ایران.
- سلجوقی، محمود (۱۳۷۰). *حقوق بین‌الملل خصوصی*. تهران: دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران.

- سهرابی، محمد (۱۳۸۵). حقوق بین‌الملل خصوصی. تهران: گنج دانش.
- غفران‌راد، حسین (۱۳۹۳). تحول قواعد تابعیت در نظام بین‌المللی حقوق بشر و مقایسه آن با حقوق ایران. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه قم، دانشکده حقوق، قم، ایران.
- فدایی تهرانی، نسرين (۱۳۹۴). مقایسه تطبیقی وضعیت حقوقی افراد بدون تابعیت در نظام حقوق ایران و افغانستان با تأکید بر اسناد بین‌المللی. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه پیام نور مرکز تهران جنوب، دانشکده علوم انسانی گروه حقوق بین‌الملل، تهران، ایران.
- فدوی، سلیمان (۱۳۸۲). بررسی وضعیت تابعیت در حقوق ایران ۲. نشریه کانون، آبان و آذر، (۴۶)، صص. ۸۵-۱۰۶.
- قاسمی، غلامعلی (۱۳۹۷). بررسی سلب تابعیت اتباع بحرین در پرتو حقوق بین‌الملل بشر. فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، (۳)۴۹، صص. ۹۴۱-۹۵۹.
- قاسمی، غلامعلی و بافهم، محمد (۱۳۹۹). نقد و بررسی تحولات قانون ایران در خصوص تابعیت افراد متولد از مادران ایرانی. فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، (۱) ۵۰، صص. ۱۳۳-۱۵۱.
- موسی‌زاده، رضا و دارابی‌راد، سپیده (۱۳۹۸). بررسی تطبیقی سلب تابعیت به‌عنوان مجازات عاملان ارتکاب تروریسم در برخی کشورهای اروپایی و حقوق بین‌الملل. دو فصلنامه مطالعات حقوق تطبیقی، (۲)۱۰، صص. ۷۴۳-۷۶۱.
- نصیری، محمد (۱۳۹۰). حقوق بین‌الملل خصوصی. تهران: نشر آگه.

- Achiron, Marliyn and updated by Radha Govil (2014). *Nationality and Statelessness: Handbook for Parliamentarians N° 22*. UN High Commissioner for Refugees (UNHCR). [Available at: <https://www.refworld.org/docid/53d0a0974.html>.]
- Bauböck, Rainer and Paskalev, Vesco (2015). Citizenship Deprivation: A Normative Analysis. *CEPS Liberty and Security in Europe*, (82), pp. 1-37. [Available at: https://www.ceps.eu/wp-content/uploads/2015/03/LSE82_CitizenshipDeprivation.pdf.]
- Coventry Peace House (2008). *Statelessness: The Quiet Torture of Belonging Nowhere*. UK: Coventry Peace House. [Available at: <https://ir1lib.org/dl/852175/0ee522>.]
- Dumbrava, Costica (2014). *Nationality, Citizenship and Ethno-Cultural Belonging*. UK: Palgrave Macmillan. [Available at: <http://library.lol/main/CC4169475B307C227D9B3FF0E2FC9CD1>.]
- Edwards, Alice and Van Waas, Laura (2014). *Nationality and Statelessness under International Law*. UK: Cambridge University Press. [Available at: <http://library.lol/main/41BB19C21CF2E0BDE0AA03320C9A43BE>.]

- Institute on Statelessness and Inclusion (2014). *The World's Stateless*. The Netherlands: Wolf Legal Publishers. [Available at: <https://files.institutesi.org/worldsstateless.pdf>.]
- Institute on Statelessness and Inclusion (2020). *The World's Stateless: Deprivation of Nationality*. UK: UNICORN Publishing Group. [Available at: <https://files.institutesi.org/WORLD's STATELESS 2020.pdf>.]
- Jansen, Stefanie and Van Waas, Laura, (2014), *Preventing Childhood Statelessness in Europe: Issues, Gaps and Good Practices*, UK: European Network on Statelessness. [Available at: <https://resourcecentre.savethechildren.net/pdf/54c255034.pdf>.]
- Lawrance, Benjamin Nicholas and Stevens, Jacqueline [editors] (2017). *Citizenship in question: evidentiary birthright and statelessness*. USA: Duke University Press. [Available at: <http://library.lol/main/E1FC1BD963984B0B5D4D244C831FC447>.]
- Molnár, Tamás (2014). Remembering The Forgotten: International legal regime protecting the stateless persons-stocktaking and new tendencies. *US-China Law Review journal*, Volume 11: 822, pp. 822-848. [Available at: <http://www.davidpublisher.org/Article/index?id=18406.html>.]
- Molnár, Tamás (2015). The prohibition of arbitrary deprivation of nationality under international law and EU law: new perspectives. In *Hungarian Yearbook of International Law and European Law 2014*, published at 8 May 2015, p. 67-92. [Available at: <http://real.mtak.hu/29148/>.]
- P.Roche, John (1950), The Loss of American Nationality. The Development of Statutory Expatriation. *University of Pennsylvania Law Review*, Volume 99, no 1, p. 25-71. [Available at: https://scholarship.law.upenn.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=8181&context=penn_law_review.]
- Report of UNICEF (2019). *Birth Registration for Every Child by 2030: Are we on track?*. UNICEF. [Available at: <https://data.unicef.org/wp-content/uploads/2019/12/Birth-registration-for-every-child-by-2030-brochure-English.pdf>.]
- Siddika, Bilkis Afroza (2019). Impact of Statelessness: Are We Ready to Face?. *Open Journal of Social Sciences*, volume 7, no 12, pp. 1-11. [Available at: <http://www.oalib.com/paper/5425227>.]
- Southwich, Katherine and Lynch, M (2009). *Nationality Rights for All: A Progress Report and Global Survey on Statelessness*. USA: Refugees International. [Available at: <https://www.refworld.org/docid/49be193f2.html>]
- Tang, Lay Lee (2005). *Statelessness, Human Rights and Gender: Irregular migrant workers from Burma in Thailand*. The Netherlands: Martinus Nijhoff Publishers. [Available at: <http://library.lol/main/DE6DF747C1AD93BB27D1DC127685AD59>.]
- Van Waas, Laura (2008). *Nationality matters: Statelessness under international law*. The Netherlands: Intersentia. [Available at: https://www.researchgate.net/publication/254797325_Nationality_matters_Statelessness_under_international_law.]

